

« صفت‌های کمی قبل از اسم‌های غیرقابل شمارش

صفت‌های کمی little (خیلی کم)، a little (مقداری، کمی)، much (زیاد)، a lot of (خیلی، زیاد)، lots of (خیلی، زیاد)، some (چند تا، تعدادی)، how much (چقدر؟ چه مقدار؟) قبل از اسم‌های غیر قابل شمارش به کار می‌روند.

little	They had little money to spend.	آن‌ها پول کمی برای خرج کردن داشتند.
a little	She saves a little money every month.	او هر ماه مقداری پول ذخیره می‌کند.
much	There isn't much milk in the coffee.	شیر زیادی در قهوه وجود ندارد.
a lot of	I have a lot of time to answer your questions.	من وقت زیادی برای پاسخ دادن به سوالات شما دارم.
lots of	You have lots of time to catch the plane, let's relax.	شما وقت زیادی برای رسیدن به هواپیما دارید، بیایید استراحت کنیم.
some	I have some money in my pocket.	من مقداری پول در جیبم دارم.
how much	How much money do you need?	چه مقدار پول لازم دارید؟

1 **a little** (مقداری) مفهوم مثبت به جمله می‌دهد و بیانگر این است که مقدار آن «کافی» است، اما **little** (خیلی کم) مفهوم منفی به جمله می‌دهد و بیانگر این است که مقدار آن «ناکافی» است.

2 **a lot of** و **lots of** با یکدیگر فرقی ندارند و می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند.

2 برای پرسش از اسم‌های غیر قابل شمارش از **how much** استفاده می‌کنیم.

2 **a lot of** و **some**, **lots of** هم برای اسم‌های قابل شمارش جمع و هم برای اسم‌های غیرقابل شمارش به کار می‌روند.

1 در جملات منفی و سؤالی از **any** (هیچ، هیچ‌وقت و هیچ‌کدام) به جای **some** استفاده می‌کنیم.

e.g. I don't have any money.

من هیچ پولی ندارم.

e.g. Have you got any money?

آیا پولی دارید؟

2 **some** را می‌توان در جملات سؤالی به کار برد. در این کاربرد از **some** برای بیان «تقاضا، درخواست و پیشنهاد» و زمانی که انتظار شنیدن جواب مثبت داریم، استفاده می‌کنیم.

e.g. Would you like some tea?

چای میل دارید؟

e.g. A: "Did you hear some noises?"

الف: «آیا شما هم صداها را شنیدید؟»

B: "Yes, I did".

ب: «بله، من هم شنیدم.»

2 **any** به معنای «هر» در جملات مثبت و با اسم مفرد به کار می‌رود.

e.g. Any teacher knows that.

هر معلمی آن را می‌داند.

4 **much** را در جملات منفی و سؤالی به کار می‌بریم و در جملات مثبت از **a lot of** و **lots of** استفاده می‌کنیم. (البته در جملات منفی و سؤالی هم می‌توانیم از **a lot of** و **lots of** استفاده کنیم.)

e.g. Do you get much snow here?

این جا زیاد برف می‌آید؟

e.g. I don't have much money in my pocket.

من پول زیادی در جیبم ندارم.

e.g. I don't have a lot of / lots of money in my pocket.

من پول زیادی در جیبم ندارم.

e.g. He has a lot of work.

او کارهای زیادی دارد.

5 اگر **much** قبل از **so**, **too** آمده باشد، می‌توان در جمله مثبت از آن استفاده کرد.

e.g. There is too much pollution in the sky.

آلودگی خیلی زیادی در آسمان وجود دارد.

6 **much** و **many** را می‌توانیم بدون اسم نیز به کار ببریم (در این کاربرد شنونده و خواننده می‌داند که **much** و **many** جایگزین چه اسمی شده‌اند).

e.g. People still use salt in cooking, but many say they don't use as much as the past.

مردم هنوز در آشپزی از نمک استفاده می‌کنند؛ اما بسیاری می‌گویند که این استفاده به میزان سابق نیست.

7 **a little**, **much**, **a lot**, **some** می‌توانند در نقش قید به کار روند.

e.g. Henry's room is much bigger than mine.

اتاق هنری از اتاق من خیلی بزرگ‌تر است.

8 صفت‌های کمی را با اسم‌ها به کار می‌بریم، اما می‌توانیم از آن‌ها به عنوان ضمیر نیز استفاده کنیم. (در این کاربرد صفت‌های کمی با حرف اضافه **of** به اسم یا ضمیر بعدی می‌چسبند.)

e.g. Little of their wealth now remains.

الآن مقدار خیلی کمی از ثروت آن‌ها باقی مانده است.

9 برای پرسش درباره قیمت از **how much** استفاده می‌کنیم.

20. percent (n.) درصد
The cost of meat in the store is at least 2 **percent** higher than it was last year.
قیمت گوشت در مغازه نسبت به سال گذشته حداقل ۲ درصد بیشتر است.

21. village (n.) دهکده
Entire **village** was destroyed by earthquake.
کل دهکده به وسیله زلزله تخریب شد.

22. imagine (v.) / image (n.) / imaginal (adj.) / imaginary (adj.)
تصور کردن / تصور، تصویر / قابل درک / خیالی
syn think of
I was surprised when I saw the farm, I had **imagined** it would be much bigger.
وقتی که مزرعه را دیدم متعجب شدم، من تصور کرده بودم که آن خیلی بزرگ تر باشد.

23. need (v.) / needy (adj.) نیاز داشتن / نیازمند
meet the needs of تأمین نیاز کردن
syn require | demand
You don't really **need** a car. شما واقعاً به یک ماشین احتیاج ندارید.

24. century (n.) قرن
decade (n.) دهه
The church was built in the 13th **century**.
کلیسا در قرن ۱۳ ساخته شد.

25. society (n.) / social (adj.) ۱- جامعه ۲- انجمن / اجتماعی
syn community
We need to do more to help the poorer members of our **society**.
ما باید کمک بیشتری به اعضای فقیرتر جامعه بکنیم.

26. endangered (adj.) در معرض خطر
The giant panda is an **endangered** species.
پاندای عظیم‌الجثه یک گونه در معرض خطر است.

27. ability (n.) / able (adj.) / unable (adj.)
۱- توانایی ۲- قابلیت / قادر بودن / ناتوان
syn skill
Does he have the **ability** to fire employees?
آیا او توانایی اخراج کارمندان را دارد؟

28. vary (v.) / various (adj.) / variously (adv.) / varying (adj.) / variety (n.)
فرق داشتن / مختلف / به‌طور مختلف / مختلف / تنوع
syn change | differ
A: "What do you wear when you go out?"
B: "Well, it **varies**."
الف: «شما وقتی بیرون می‌روید چه چیزی می‌پوشید؟»
ب: «خوب، فرق دارد.»

29. make up (phr. v.) ۱- ساختن ۲- تشکیل دادن ۳- آرایش کردن
syn form
Story was partly true and partly **made up**.
بخشی از داستان درست و بخشی از آن ساختگی بود.

30. means (n.) وسیله
by means of (phrase) به‌وسیله
The window was our only **means** of escape.
پنجره تنها وسیله فرار ما بود.

31. measure (n.) (v.) ۱- مقیاس ۲- اندازه گرفتن
The rainfall was **measured** over a three month period.
بارش باران طی یک بازه سه ماهه اندازه‌گیری شد.

32. despite (pre.) با این که، با وجود اینکه
syn in spite of
She won the competition **despite** an injury.
او با وجود مصدومیت در رقابت پیروز شد.

33. communication (n.) / communicate (v.) / community (n.) ارتباط / ارتباط برقرار کردن / جامعه
Good **communication** is vital in a large organization.
ارتباط خوب در یک سازمان بزرگ ضروری است.

34. form (n.) (v.) / formal (adj.) / formation (n.) / formative (adj.)
تشکیل دادن، شکل / رسمی / تشکیل / تشکیل‌دهنده
syn make up
Coal is a **form** of carbon. ذغال‌سنگ شکلی از کربن است.

35. exchange (n.) (v.) ۱- معاوضه، مبادله ۲- معاوضه کردن
syn convert
It's traditional for the two teams to **exchange** shirts after the game.
سنت این است که دو تیم بعد از پایان بازی پیراهن‌هایشان را معاوضه کنند.

36. die (v.) / death (n.) / dead (adj.) / deadly (adv.) / die out
مردن / مرگ / مرده / کشنده / منقرض شدن
syn pass away
More than a hundred people **died** in the crash.
بیش از صد نفر در تصادف مردند.

37. valuable (adj.) / value (n.) / valuation / (n.) valuator (n.)
ارزشمند / ارزش / ارزش داشتن / ارزش گذاری / ارزیاب
A lot of **valuable** information can be found in this book.
اطلاعات ارزشمند زیادی را می‌توان در این کتاب پیدا کرد.

38. seek (v.) جست‌وجو کردن
syn look for | search for
Snakes **seek** the sun to warm their bodies.
مارها در جست‌وجوی خورشید هستند تا بدنشان را گرم کنند.

39. disappear (v.) ۱- ناپدید شدن ۲- غیب شدن
The sun had **disappeared** behind a cloud
خورشید پشت یک ابر ناپدید شد.

40. future (adj.) آینده
feather (n.) پر
feature (n.) ویژگی
What are your plans for the **future**?
برنامه‌ات برای آینده چیست؟

جلسه دوم

41. protect (v.) / protection (n.) / protective (adj.)
حفاظت کردن / حفاظت / محافظتی
syn defend
Physical exercise can **protect** you against heart disease.
تمرین‌های جسمانی تو را در مقابل بیماری قلبی محافظت می‌کند.

42. parking lot (n.) پارکینگ
syn car park
An area outside of a building for parking cars is called **parking lot**.
محوطه‌ای بیرون از ساختمان برای پارک کردن اتومبیل‌ها پارکینگ نامیده می‌شود.

1237. You can't change your situation. The only thing that you can change is how you _____ to deal with it.
 1) exchange 2) cost 3) choose 4) label
1238. Before you start your own business, you should be with the government's rules and regulations.
 1) honest 2) familiar 3) patient 4) popular
1239. When I saw her, she looked amazing although she passed through a difficult _____ after she had a terrible car accident.
 1) point 2) period 3) choice 4) site
1240. Despite all the efforts they've done, the project failed .it just wasted a considerable _____ of time and money.
 1) hint 2) form 3) order 4) amount
1241. He _____ something to me about a bank robbery that happened the night before between 1:00 to 3:00 am at the Baker Street.
 1) forget 2) suggested 3) mentioned 4) measured
1242. While I was a little concerned about the exam, my teacher told me that if I put more effort and try harder, I will _____ succeed.
 1) absolutely 2) fluently 3) differently 4) nearly
1243. Those days when we were together _____ in my mind time after time because they were so joyful, happy and pleasant.
 1) develop 2) disable 3) surf 4) appear
1244. You can find love in a smile or a helping hand, in a thoughtful expression or a kind word. It is all around, if you just _____ it.
 1) give up 2) look for 3) make up 4) turn off
1245. That afternoon looking down from my bedroom window, I had watched the tracks I'd made _____ under fresh snow.
 1) decrease 2) disappear 3) disable 4) develop
1246. Most of us, however, take life for granted. We know that one day we must _____ , but usually we imagine that day as far in the future.
 1) die 2) exist 3) enjoy 4) escape
1247. In order to save your money, resist the desire to buy the _____ until you're certain that you really need it.
 1) clothes 2) food 3) bottle 4) item
1248. Money has lost so much of its _____ that goods exchange has become the preferred way of doing business.
 1) space 2) value 3) difference 4) similar
1249. One of the citizens said that companies need to wake up and _____ of the public's increasing concern with the environment.
 1) make sure 2) take care 3) take notice 4) make up
1250. The step by step approach was taken and the high degree of success that is achieved can be _____ related to this strategy.
 1) wrongly 2) honestly 3) largely 4) fluently
1251. She was sad and happy at the same time because this monthly pay check will cancel out her debt but it won't give her any _____ money.
 1) extra 2) real 3) big 4) tiny
1252. When he was at the police station, the officer asked him if he could _____ the killer from a series of photos.
 1) mean 2) pick 3) scan 4) find
1253. The old couples explained that this style of music originated with four _____ young musicians in the 1950s.
 1) unknown 2) dangerous 3) injured 4) popular
1254. The manager let his employee return to his _____ town to visit his grandmother who was ill in bed.
 1) international 2) national 3) native 4) natural
1255. The doctor wrote a prescription for his patient and added: "people under a lot of stress may _____ headaches, minor pains and sleeping difficulties."
 1) disappear 2) research 3) count 4) experience
1256. Scientists suggested that it is not _____ to observe this event directly, but its effects can be seen in the rise of global temperatures.
 1) possible 2) emotional 3) enjoyable 4) valuable
1257. These _____ exercises are designed to break the narrow thinking habits and encourage the creativity that is needed for innovation.
 1) physical 2) mental 3) actual 4) written



2 Body language refers to the nonverbal signals that we use to (1277). According to experts, these nonverbal signals (1278) a huge part of daily communication. From our facial expressions to our body movements, the things we don't say can still convey volumes of information. It has been suggested that body language may account for between 50 (1279) to 70 percent of all communications. Understanding body language is important, but it is also essential to pay attention to other cues such as conditions. In (1280), you should look at signals as a group rather than focusing on a single action. Here's what to look for when you're trying to interpret body (1281).

1277. 1) form 2) communicate 3) host 4) imagine
 1278. 1) interview 2) measure 3) meet 4) make up
 1279. 1) percent 2) candle 3) century 4) power
 1280. 1) many case 2) many cases 3) the many case 4) the many cases
 1281. 1) continent 2) interest 3) language 4) grade

3 Facial expressions are among the most universal (1282) of body language. The expressions used to convey fear, anger, (1283), and happiness are similar throughout the world. Researcher Paul Ekman has found support for the universality of (1284) variety of facial expressions tied to particular emotions including joy, anger, fear, surprise, and sadness. Research even (1285) that we make judgments about people's intelligence based upon their faces and expressions. One study found that individuals who had narrower faces and more prominent noses were more likely to be perceived as intelligent. People with smiling, joyful expression were also judged (1286).

1282. 1) knowledge 2) forms 3) lot 4) measure
 1283. 1) sadness 2) a sadness 3) the sadness 4) an sadness
 1284. 1) the 2) a 3) an 4) --
 1285. 1) varies 2) values 3) seeks 4) suggests
 1286. 1) as been more intelligent than those with angry expressions
 2) as been more intelligent with angry expressions than those
 3) more intelligent as been than those with angry expression
 4) more intelligent as been this than with expressions angry

4 Personality refers to individual (1287) in characteristic patterns of thinking, (1288) and behaving. The study of personality focuses on (1289): One is understanding individual differences in particular personality characteristics, such as sociability or irritability. The other is understanding how the various parts of a person come together as a whole. Research suggests that genetics, abuse and other factors contribute to the (1290) of obsessive-compulsive, narcissistic or (1291). Psychologists often find that opposites attract in couples with personality disorders.

1287. 1) wishes 2) translators 3) differences 4) rulers
 1288. 1) pencil-sharpener 2) feeling 3) bag 4) amount
 1289. 1) a two broad areas 2) the two broad area 3) two broad area 4) two broad areas
 1290. 1) development 2) eraser 3) storybook 4) society
 1291. 1) other personality disorders 2) the other personality disorders
 3) others personality disorders 4) other personality disorder

5 Some (1292) say that in all levels of education, from primary schools to universities, (1293) is spent on learning facts and not enough on learning practical skills. Do you agree or disagree? The perspective that most educational institutions emphasizes more on teaching theoretical facts than helping students acquire practical skills has sparked a heated debate among many. I strongly agree that too much (1294) is placed on learning facts by educators than on learning other skills. At all levels of education, that is, from primary schools to tertiary institutions enormous amount of time is spent on teaching theories. First of all, most curriculums require the students to memorize the facts from course textbooks and lecture notes. For instance, (1295) to test the candidate's memory of periodic table, chemical compositions, etc. Moreover, educational institutions inundate the students with abundant information. For example, a postgraduate course usually consists of two to three textbooks, lecture slides, journal papers and news articles that (1296) overwhelm a graduate student's study time.

1292. 1) person 2) people 3) animals 4) man
 1293. 1) too much times 2) much times 3) too much time 4) many time
 1294. 1) importance 2) important 3) importantly 4) many importance
 1295. 1) chemistry exam in high school are designed 2) chemistry exams on high school are designed
 3) chemistry exams in high school is designed 4) chemistry exams in high school are designed
 1296. 1) absolutely 2) nearly 3) fluently 4) frequently

6 From birth, children are learning language and developing the ability to communicate. The Communication, Language and Literacy domain describes (1297) of children's language and early literacy development. Language development begins with children's ability to understand what others are communicating to them. Infants and toddlers understand more words than they can say. Children learn the meaning of words and other forms of communication first. They gradually learn to express themselves, starting with the ability to express their needs (1298) crying, gesturing, and facial expressions, and later using words. By the time they are preschoolers, most children have developed a large vocabulary and are learning



حروف اضافه

بعد از حروف اضافه (at, to, on, in, ...) اسم می آید:
فردا به آفریقا سفر خواهم کرد.

e.g. Tomorrow I will travel to Africa.
اسم اضافه

صفت

بعد از صفت اسم به کار می رود.
او یک خانه گران قیمت دارد.

e.g. She has an expensive house.
اسم صفت

وابسته‌ها

بعد از وابسته‌هایی مثل (a little, little, a few, few, many, much, lots of, a lot of, some, ...) اسم به کار می رود.
من مقداری پول دارم.

e.g. I have some money.
اسم وابسته

e.g. There is a little sugar in the coffee.
اسم وابسته

مقداری شکر در قهوه وجود دارد.

3. This is low mountain, but mountains are high.

1) a/this

2) a/those

3) an/this

4) an/those

پاسخ: گزینه ۲ بعد از نقطه چین اول، اسم مفرد mountain به کار رفته، بنابراین باید نقطه چین را با a/an کامل کنیم. چون low با حرف صدادار شروع نشده است باید از a استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») بعد از نقطه چین دوم، اسم جمع mountains به کار رفته و به همین دلیل گزینه «۱» حذف می شود، چون this با اسم مفرد به کار می رود.

جمع بستن اسم‌های مفرد

۱ بیشتر اسم‌های مفرد با اضافه کردن s به آخر آن‌ها جمع بسته می شوند.

a boy → two boys	a girl → two girls
a pen → five pens	a door → four doors

۲ برای جمع بستن اسم‌هایی که به حروف "o, sh, ch, ss, s, x" ختم می شوند، به انتهای آن‌ها es اضافه می کنیم.

a box → two boxes	a bus → three buses
a glass → four glasses	a church → five churches
a brush → six brushes	a tomato → seven tomatoes

۳ اگر اسم مفرد به y ختم شود و قبل از آن حرف صدادار باشد، هنگام جمع بستن y به i تبدیل می شود و به جای s, es می گیرد.

a day → two days	a baby → two babies
------------------	---------------------

۴ اسم‌های مفردی که به f یا fe ختم می شوند، در موقع جمع بستن f یا fe به ves تبدیل می شود.

a wife → two wives	a loaf → five loaves
a knife → three knives	a shelf → six shelves
a wolf → many wolves	a thief → seven thieves
a life → many lives	a half → two halves

۵ برای جمع بستن بعضی از اسم‌ها، قاعده خاصی وجود ندارد و باید شکل جمع آن‌ها را حفظ کنید.

a child → two children	a man → three men
a woman → four women	a mouse → five mice
a tooth → six teeth	a foot → seven feet
a person → many people	bacterium → many bacteria

22. recent (adj.)/recently (adv.) ۱- اخیر، جدید ۲- اخیراً

syn new

A **recent** edition of the book isn't available.

چاپ جدید این کتاب در دسترس نیست.

23. emotional (adj.)/emotion (n.)

۱- عاطفی، احساساتی ۲- احساس

syn sensitive

He was a strongly **emotional** young man.

او یک مرد جوان به شدت احساساتی بود.

24. prevent (v.)/prevention (n.)/preventive (adj.)

۱- جلوگیری کردن / پیشگیری کردن ۲- پیشگیری ۳- بازدارنده

syn stop

Daily exercise can **prevent** blood pressure.

ورزش روزانه می‌تواند از فشار خون جلوگیری کند.

25. relationship (n.)

رابطه، ارتباط

syn connection

She has a good **relationship** with her father.

او رابطه خوبی با پدرش دارد.

26. general (adj.)/generalize (v.)/generally (adv.)

۱- عمومی ۲- عمومی کردن / تعمیم دادن ۳- عموماً

The **general** opinion was that prices would fall.

نظر عمومی این بود که قیمت‌ها کاهش خواهد یافت.

27. necessary (adj.)/necessarily (adv.)/necessaries (n.)

۱- ضروری ۲- لزوماً ۳- ضروریات

Eating vegetables is **necessary** for everyone's health

خوردن سبزیجات برای سلامتی همه ضروری است.

28. effective (adj.)/effect (n.)/affect (v.)

۱- مؤثر ۲- اثر ۳- اثر گذاشتن

syn efficient

Doing exercise is an **effective** way to live longer.

ورزش کردن یک راه مؤثر برای داشتن زندگی طولانی‌تر است.

29. stress (n.)

استرس، اضطراب

She decreased her **stress** by praying.

او اضطرابش را با دعا کردن کاهش داد.

30. win (v.)

بردن، پیروز شدن

You win!

خیلی خوب! قبول!

Who do you think will **win** the next election?

به نظر شما چه کسی انتخابات بعدی را می‌برد؟

31. attend (v.)/attendant (n.)/attendance (n.)

۱- حضور داشتن / توجه کردن ۲- خدمتکار / سرپرست، مسئول

۳- مواظبت

All children are required to **attend** school.

تمام بچه‌ها باید در مدرسه حاضر شوند.

32. condition (n.)/conditional (adj.)

۱- وضعیت، شرایط ۲- شرطی

syn situation

The house was in a terrible **condition**.

خانه در وضعیت وحشتناکی بود.

33. retire (n.)/retired (adj.)/retirement (n.)

۱- بازنشسته شدن ۲- بازنشسته ۳- بازنشستگی

Most of the people **retire** at the age of 65.

بیشتر مردم در ۶۵ سالگی بازنشسته می‌شوند.

34. mission (n.)

مأموریت

His **mission** in life was to help the poor people.

مأموریت او در زندگی کمک به افراد فقیر بود.

35. key (n.) (adj.)

۱- کلید ۲- کلیدی

A **key** factor in starting any business is its location.

یک عامل کلیدی در شروع هر تجارت موقعیت [جغرافیایی] آن است.

36. disorder (n.)

۱- بی‌نظمی ۲- اختلال

She suffers from brain **disorders**.

او از اختلالات مغزی رنج می‌برد.

37. rush (v.)

۱- حمله کردن، هجوم بردن ۲- عجله کردن

syn hurry

They **rushed** the guard and stole his keys.

آن‌ها به نهبان حمله کردند و کلیدهایش را دزدیدند.

38. forbidden (adj.) / forbid (v.)

ممنوع / ممنوع کردن

It's **forbidden** to smoke at hospital.

سیگار کشیدن در بیمارستان ممنوع است.

39. prepare (v.)/preparation (n.)/prepared (adj.)

۱- آماده کردن ۲- آمادگی ۳- آماده

syn arrange

We are **preparing** for the exam.

ما برای امتحان آماده می‌شویم.

40. history (n.)/historian (n.)/historical (adj.)

۱- تاریخ / تاریخچه، سابقه ۲- تاریخ‌دان ۳- تاریخی

His family has a **history** of cancer.

خانواده‌اش سابقه سرطان دارند.

جلسه دوم

41. education (n.)/educate (v.)/educated (adj.)/educational (adj.)

۱- آموزش / تحصیل ۲- آموزش دادن ۳- تحصیل کرده ۴- آموزشی

syn training

It's important for children to get a good **education**.

مهم است که بچه‌ها آموزش خوبی ببینند.

42. hang out (v.)

۱- زمان زیادی را در جایی یا با کسی سپری کردن

۲- وقت گذاشتن ۳- پرسه زدن

Have you still **hanged out** at the pool hall?

آیا تو هنوز در سالن استخر وقت می‌گذرانی؟

43. above all

مهم‌تر از همه

Max is hard-working, cheerful, and **above all** honest.

مکس سخت‌کوش، شاد و مهم‌تر از همه صادق است.

44. detail (n.)

جزئیات

She told me every **detail** of her trip.

او تمام جزئیات سفرش را به من گفت.

45. function (n.)

کار، وظیفه، کارکرد

This computer program can perform several **functions**.

این برنامه کامپیوتری می‌تواند چندین کار انجام دهد.

46. amount (n.)

مقدار، اندازه

syn quantity

They are not producing an adequate **amount** of the drug.

آن‌ها مقدار کافی از دارو را تولید نمی‌کنند.

47. special (adj.)

خاص

syn certain | particular | specific

She is a very **special** person.

او شخص خیلی خاصی است.

1508. The nurses also give _____ support to the family at this incredibly difficult time.
 1) cultural 2) emotional 3) necessary 4) important
1509. One can only just go on hoping and _____ that it is the best and not the worst that has happened.
 1) praying 2) cycling 3) saving 4) worrying
1510. As he felt a pain in his chest, he went to the emergency department of the nearest hospital, afraid that he might have a _____.
 1) heart beat 2) pressure 3) addiction 4) heart attack
1511. She insisted on telling me every detail of what they did to her at the hospital. She was badly _____ by her stay at there.
 1) happy 2) depressed 3) excited 4) ashamed
1512. After you've _____ some experience teaching abroad, you can come home and get a job.
 1) gained 2) rushed 3) jogged 4) avoided
1513. Great pressure was put on the police to _____ the terrorists as soon as possible.
 1) catch 2) understand 3) cure 4) recognize
1514. The most urgent thing in the UN is to hold a meeting to provide _____ food and water for the African people.
 1) unhealthy 2) cheap 3) necessary 4) junk
1515. Some athletes take special drugs to _____ their performance in the competitions.
 1) improve 2) prevent 3) identify 4) avoid
1516. The course is intended to help teachers learn how to communicate _____ with young learners.
 1) actually 2) commonly 3) effectively 4) recently
1517. I'm sorry, you can't _____ this meeting. You aren't suitably dressed for this occasion.
 1) rewrite 2) measure 3) imagine 4) attend
1518. She strongly believes that her husband has not done anything wrong and that he is now in prison for no good _____.
 1) miracle 2) health 3) point 4) reason
1519. We reached the _____ where we'd given up any hopes of seeing our daughter alive.
 1) stress 2) attention 3) device 4) stage
1520. Students are encouraged to set themselves achievable _____ for academic improvement.
 1) risks 2) goals 3) secrets 4) steps
1521. The government has _____ a series of leaflets designed to extend public awareness of the dangers of AIDS.
 1) caused 2) produced 3) identified 4) discussed
1522. There are doubts about the effectiveness of the new _____ in treating disease.
 1) medicine 2) item 3) stage 4) disorder
1523. It may have seemed unusually cold recently but experts say it's _____ for this time of year.
 1) harmful 2) important 3) normal 4) worthy
1524. They celebrated his success when he was rewarded a gold cup in acknowledgement of his _____ achievements for the development of the company.
 1) attractive 2) decorative 3) collective 4) creative
1525. She added: "I remember how amazing it was to go to Madison Square Garden and to go to a live sporting _____!"
 1) event 2) mission 3) miracle 4) effect
1526. Smoking is a causative _____ in the development of several serious diseases, including lung cancer.
 1) factor 2) skill 3) medicine 4) disorder
1527. Although it is somewhat limited in its application it is easy to operate and _____ it is fun.
 1) at least 2) once more 3) above all 4) all around
1528. _____ advances in computing and telecommunications have reduced the need for many people to travel to work.
 1) Medical 2) Emotional 3) Recreational 4) Technological
1529. The report shows that poor families spend a larger _____ of their income on food.
 1) proportion 2) relationship 3) vacuum cleaner 4) miracle
1530. The death of a parent can have very serious and long-lasting _____ on a child.
 1) effect 2) image 3) risk 4) disorder
1531. My doctor has referred me to a _____ for a second opinion on the results of my blood test.
 1) specialist 2) socialist 3) dentist 4) journalist

1733. Which of the following sentences is grammatically WRONG?

- 1) When you finish your breakfast, you can go out and taking care of your pony.
- 2) I forgot to tell Mary about the event.
- 3) I keep forgetting the new words.
- 4) I finally learned how to send an email.

1734. Which of the following sentences is grammatically WRONG?

- 1) I would love to change my career in the next few years.
- 2) Life quality is below the poverty line.
- 3) Lack of sleep started to affect the quality of his work.
- 4) Bad dreams are fairly common among children.

1735. _____ save money for his education, he is working hard.

- 1) So as to
- 2) In order
- 3) So that
- 4) So to as

1736. She has become too fat _____ the jeans.

- 1) wear
- 2) wearing
- 3) to wear
- 4) to wearing

1737. Mary had enough time _____ this novel.

- 1) to read
- 2) reading
- 3) read
- 4) to reading

1738. If you just _____ a moment, I'll find someone to help you.

- 1) wait
- 2) will wait
- 3) waits
- 4) waited

1739. She left home early _____ miss the bus.

- 1) so as to
- 2) in order to
- 3) so as to not
- 4) in order not to

1740. You _____ get wet if it rained.

- 1) will
- 2) can
- 3) may
- 4) would

1741. _____ you meet Mina, tell her to call her father tonight.

- 1) Will
- 2) Should
- 3) Could
- 4) Must

1742. I'll never forget _____ the castle.

- 1) to see
- 2) seeing
- 3) saw
- 4) see

1743. Which one is grammatically WRONG?

- 1) I couldn't remember to post the letter.
- 2) I don't like talking in public.
- 3) I like to see people enjoying themselves.
- 4) Remember to take your painting to the school.

1744. Which one is grammatically correct?

- 1) His parents are saving money in order to send him to college.
- 2) Bob went to the library so that could he study in a quiet place.
- 3) The soup is too hot for me eating.
- 4) If she fell, she will hurt herself.

واژگان

Vocabulary

جلسه اول

1. carpet (n.) ۱ - فرش ۲ - موکت

The floor of the room was covered with Persian **carpet**.

کف اتاق با فرش ایرانی پوشیده شده بود.

2. pottery (n.) ۱ - سفال ۲ - سفالگری

There are lots of **potteries** in the national Museum.

سفال‌های زیادی در موزه ملی وجود دارد.

3. painting (n.) ۱ - نقاشی ۲ - تابلوی نقاشی

There was a large **painting** of his father on the wall.

نقاشی بزرگی از پدرش روی دیوار بود.

4. calligraphy (n.) ۱ - خطاطی ۲ - دست‌نویسته

Can you read that **calligraphy**?

آیا می‌توانید آن دست‌نویسته را بخوانید؟

5. collection (n.) / collect (v.) / collective (adj.) / collector (n.)

۱ - مجموعه، کلکسیون ۲ - جمع کردن ۳ - جمعی، گروهی
۴ - جمع‌کننده، کلکسیونر

He has an amazing stamp **collection**.

او یک کلکسیون تمبر فوق العاده دارد.

6. cheerful (adj.)

سرحال، شاد

syn happy

How can she be so **cheerful** at six o'clock in the morning?

او چگونه می‌تواند ساعت ۶ صبح آن قدر سرحال باشد؟

7. proud (adj.) / proudly (adv.)

۱ - مغرور ۲ - سربلند ۳ - غرور آفرین ۳ - از روی غرور

syn satisfied | gratified

She got twenty and her dad was so **proud** of her.

او بیست ساله شد و پدرش بسیار به او افتخار می‌کرد.

تست‌های درک مطلب

Comprehension Tests

Cloze Test

1 Great ideas can (1865) anywhere at any time. They have been born in caves, villages, (1866) and laboratories, but their impact has reached far further than their humble origins, transforming the world in ways that the men and women who had them could scarcely have imagined. For better or for worse, these great leaps in human ingenuity have created the world we live in today and it would now be (1867) life without them. One of the things that sets humans apart in the animal kingdom is the capacity for abstract thought – the ability to imagine things that haven't happened yet, or impossible things that (1868). This faculty to think in the abstract underpins all of our major social institutions, from politics to (1869) and religion.

- | | | | |
|----------------------------|----------------------|-----------------------|----------------------|
| 1865. 1) turn on | 2) put off | 3) come from | 4) search for |
| 1866. 1) pools | 2) springs | 3) essays | 4) workshops |
| 1867. 1) hard imagine | 2) hard to imagine | 3) to hard to imagine | 4) to hard imagine |
| 1868. 1) will never happen | 2) will happen never | 3) happen never will | 4) happen will never |
| 1869. 1) combination | 2) attitude | 3) wellness | 4) economics |

2 Art, also called visual (1870) (to distinguish it from other art forms), a visual object or experience consciously (1871) through an expression of (1872) or imagination. The term art encompasses (1873) media such as painting, sculpture, printmaking, drawing, (1874) arts, photography, and installation.

- | | | | |
|-----------------------|-------------|---------------|-------------|
| 1870. 1) truth | 2) tilework | 3) art | 4) site |
| 1871. 1) reflected on | 2) created | 3) lent | 4) hugged |
| 1872. 1) silk | 2) result | 3) reference | 4) skill |
| 1873. 1) diverse | 2) worried | 3) well-known | 4) vast |
| 1874. 1) uncertain | 2) ugly | 3) decorative | 4) touching |

3 Culture is defined as language, religion, cuisine, social habits, music and arts. The Center for Advance Research on Language Acquisition goes a (1875) further, defining culture as (1876) patterns of behaviors and interactions, cognitive constructs and understanding that are learned by socialization. Thus, it can be seen as the growth of a group (1877) fostered by social patterns unique to the group. "Culture encompasses religion, food, what we wear, how we wear it, our language, marriage, music, what we believe is right or wrong, how we sit at the table, how we (1878) visitors, how we behave with loved ones, and a (1879)," Cristina De Rossi, an anthropologist at Barnet and Southgate College in London, told Live Science.

- | | | | |
|------------------------------|-------------------------|--------------------------|-------------------------|
| 1875. 1) promise | 2) prize | 3) mistake | 4) step |
| 1876. 1) surprising | 2) soft | 3) shared | 4) sociable |
| 1877. 1) power | 2) pleasure | 3) mosaic | 4) identity |
| 1878. 1) greet | 2) bow | 3) advise | 4) weave |
| 1879. 1) million other thing | 2) million other things | 3) millions other things | 4) million others thing |

4 One of the main elements of African art is that it is often created in three-dimensions rather than two-dimensions. For example, they used sculpture more often than flat (1880). Sculpture was one of the most important types of art in Ancient Africa. Sculptures were mostly (1881) of people and sometimes animals. African artists often used (1882) for their sculpture, but they also used bronze, terracotta, and ivory. Masks were an important part of the art. They were often used together with dance to create a type of performance art. Masks were generally made of wood, but were often (1883) with ivory, gems, paint, and animal fur. Many Ancient African civilizations created jewelry from gold, gems, shells, and other materials. Jewelry was an important part of showing one's status and wealth. Ceramics were used for everyday (1884) like bowls and cooking pots. However, some ceramics were works of art that were shaped and painted with fine details.

- | | | | |
|--------------------|-----------------|----------------|--------------|
| 1880. 1) paintings | 2) artifacts | 3) sciences | 4) metals |
| 1881. 1) meant | 2) made | 3) packed | 4) named |
| 1882. 1) mark | 2) humankind | 3) homeland | 4) wood |
| 1883. 1) forgot | 2) decorated | 3) expected | 4) drew |
| 1884. 1) items | 2) fingerprints | 3) diversities | 4) discounts |

آموزش 60٪

تکسیت 80٪

جلسه دوم



41. **amazing (adj.) / amazed (adj.)** حیرت آور / حیرت زده

syn surprising

An **amazing** number of people registered.

شمار زیادی از مردم اسم‌نویسی کردند.

42. **plant (n.) (v.)**

۱ - گیاه ۲ - کاشتن

Don't forget to water the **plants**.

فراموش نکن که به گیاهان آب بدهی.

43. **pattern (n.)**

الگو

syn method

Weather **patterns** have changed in recent years.

الگوهای آب و هوا در سال‌های اخیر تغییر کرده است.

44. **simple (adj.)**

ساده

syn easy **opp** complicated

A **simple** color mixes with another color and build a complex one.

یک رنگ ساده با رنگی دیگر ترکیب می‌شود و یک رنگ مرکب می‌سازد.

45. **complete (v.) (adj.)**

۱ - کامل کردن ۲ - کامل

syn finish | end

In order to enjoy the game it will be necessary to get the

complete and official rules.

برای لذت بردن از بازی ضروری است که قوانین کامل و رسمی را دریافت کنید.

46. **end (n.) (v.)**

۱ - هدف ۲ - پایان ۳ - پایان دادن

Costs are expected to double by the **end** of 2012.

انتظار می‌رود که قیمت‌ها در انتهای سال ۲۰۱۲ دو برابر شود.

47. **expression (n.)**

۱ - حالت، حالت چهره ۲ - اصطلاح ۳ - تجلی ۴ - احساس

Facial **expressions** are effective in a formal lecture.

حالات چهره در سخنرانی رسمی مؤثر است.

48. **identify (v.)**

تشخیص دادن

syn recognize | distinguish

Scientists have **identified** the gene that causes abnormal growth.

دانشمندان ژنی را تشخیص دادند که باعث رشد غیر طبیعی می‌شود.

49. **match (n.) (v.)**

۱ - کبریت ۲ - مسابقه ۳ - وصل کردن ۴ - جور کردن

They have won their last five home **matches**.

آن‌ها پنج مسابقه آخر خانگی‌شان را پیروز شدند.

50. **schedule (n.)**

برنامه

syn program | plan

Do you have a **schedule** for the tour?

آیا شما برنامه‌ای برای تور دارید؟

51. **tower (n.)**

برج

Don't go up the **tower** if you're afraid of heights.

اگر از ارتفاع می‌ترسی، بالای برج نرو.

52. **strategy (n.)**

استراتژی

syn plan

It is time to develop an economic **strategy**.

وقت آن است که یک استراتژی اقتصادی را طراحی کنیم.

53. **however (adv.)**

اگرچه، با وجود این

This is a cheap and simple process. **However**, there are dangers.

این کاری [فرآیندی] ارزان و ساده است. با وجود این، خطراتی دارد.

54. **circle (n.) (v.)**

۱ - دایره ۲ - دایره کشیدن

Draw a **circle** with a compass.

با پرگار یک دایره بکش.

55. **gulf (n.)**

خلیج

The Persian **Gulf** is very important for Iran's economy.

خلیج فارس برای اقتصاد ایران خیلی اهمیت دارد.

56. **regular (adj.)**

۱ - معمولی ۲ - منظم

syn ordinary | normal | common | usual

His breathing was slow and **regular**.

نفس کشیدن او آرام و منظم بود.

57. **road (n.)**

جاده

syn way | path

There were lots of cars parked on the **road**.

ماشین‌های پارک شده زیادی در جاده وجود داشتند.

58. **visitor (n.)**

بازدیدکننده

The museum gets **visitors** from all over the world.

این موزه بازدیدکننده‌هایی از سراسر جهان دارد.

59. **mountain (n.)**

کوهستان

mention (v.)

ذکر کردن

maintain (v.)

حفظ کردن

She was the first woman to climb that **mountain**.

او اولین زنی بود که از آن کوه بالا رفت.

60. **pilot (n.)**

خلبان

The official report into the accident says that it was caused by **pilot** error.

گزارش رسمی تصادف بیان می‌کند که آن سانحه به خاطر اشتباه خلبان اتفاق افتاده است.

61. **weather (n.)**

آب و هوا

Weather pattern have been changing as a result of global warming.

الگوی آب و هوا در نتیجه گرم شدن جهان تغییر کرده است.

62. **relative (n.)**

خویشاوند

Her friend is a distant **relative** of mine.

دوست او فامیل دور من است.

63. **soon (adv.)**

به زودی

David arrived **sooner** than I expected.

دیوید زودتر از آنچه انتظار داشتم رسید.

64. **else (adv.)**

دیگر، دیگری

I'd like to live anywhere **else** but here.

من دوست دارم هر جای دیگری به جز این جا زندگی کنم.

65. **nature (n.)**

۱ - طبیعت ۲ - ذات

You can't find this color in **nature**.

شما نمی‌توانید این رنگ را در طبیعت پیدا کنید.

66. **movie (n.)**

فیلم

syn film

It was like one of those old John Wayne **movie**.

آن شبیه یکی از فیلم‌های قدیمی «جان وین» بود.

67. **place (n.) (v.)**

۱ - مکان ۲ - قرار گرفتن

syn site | spot | position | situation | location

A person can only be in one **place** at one time.

یک نفر در یک زمان فقط می‌تواند در یک مکان باشد.

68. **among (pre.)**

در میان

He was hidden **among** jungle.

او در میان جنگل پنهان شد.

105. He would never do anything to _____ the lives of his children.
 1) decrease 2) keep safe 3) take care 4) endanger
106. We only have about two months of winter here and only one of those is _____ cold.
 1) really 2) harmfully 3) hopefully 4) especially
107. Many people saw things as they were reported on the TV news, or _____ on the radio as they drove along.
 1) died out 2) put out 3) heard about 4) protected from
108. The book was a little _____ at first, but actually I found it quite interesting once I really got into it.
 1) dangerous 2) wonderful 3) safe 4) boring
109. We should _____ Iranian tigers, because they are endangered animals and they are in the danger of dying out.
 1) save 2) mean 3) put 4) hope
110. Sunglasses _____ your eyes from most of the damage caused by the Sun.
 1) increase 2) protect 3) close 4) open
111. You will surely succeed if you do not _____ hope and keep on trying.
 1) bring 2) attend 3) save 4) lose
112. It's _____ how often you see driver using mobile phones while they are driving.
 1) amazing 2) interesting 3) natural 4) different
113. It's becoming more and more _____ for women to keep their family name when they marry.
 1) boring 2) common 3) different 4) safe
114. That was an _____ she hadn't heard before, and wondered what it meant.
 1) expression 2) information 3) attention 4) protection
115. It was important to have a _____ place for children to play while their parents were shopping.
 1) safe 2) common 3) hopeful 4) proper
116. The greatest damage being done to our planet today is that being done by _____.
 1) visitors 2) followers 3) firefighters 4) humans
117. When the number of people on Earth increases, they need more places for living. They _____ trees and destroyed lakes.
 1) put out 2) fill in 3) cut down 4) die out
118. Nick _____ his back and the doctor says he will have to rest for a few weeks to become healthy.
 1) hunt 2) hurt 3) heard 4) brought
119. She doesn't make much money, but she still manages to _____ a few dollars each week and she want to buy a car.
 1) lose 2) bring 3) protect 4) save
120. I know you're sad about your car being damaged, but you weren't injured and you should be thankful to be _____.
 1) alike 2) alive 3) among 4) against
121. I'd like to think he wouldn't have left us if he hadn't also been in physical _____.
 1) danger 2) attention 3) nature 4) pain
122. Cactus is an appropriate _____ for indoor spaces. It doesn't need much sunshine and water.
 1) pain 2) plant 3) plan 4) plain
123. It's the _____ of life that everything you have always wanted comes the second you stop looking for it.
 1) schedule 2) rule 3) span 4) weather
124. Since it will be cold soon, it might be nice to _____ doing something outdoors the final few warm days we have before winter sets in.
 1) destroy 2) enjoy 3) increase 4) protect
125. I don't feel that this was a/an _____ time to mention the subject of money.
 1) short 2) long 3) natural 4) appropriate
126. The country is changing very quickly and many of the old traditions are _____ and it's really bad.
 1) putting out 2) going out 3) helping out 4) dying out
127. Your information packet includes a map and a _____ of all events at the conference you may need.
 1) schedule 2) span 3) weather 4) rule
128. In the late 1990's Uremia, in north-western Iran, was twice as large as Luxembourg and the largest salt water _____ in the Middle East.
 1) forest 2) lake 3) river 4) plain
129. They worked to change part of the school ground where children will be able to grow plants and study _____.
 1) future 2) hunter 3) nature 4) number

Lesson 4 Traveling the World

گرامر

۷۷۶. گزینه ۱ او می‌تواند از آن درخت بالا برود.
افعال وجهی می‌توانند ... ing / to / s بگیرند. در بین گزینه‌ها فقط گزینه «۱» درست است.

۷۷۷. گزینه ۲ خواهر او می‌تواند در یک دقیقه ۷۰ لغت تایپ کند.
بعد از افعال وجهی، فعل به شکل ساده به کار می‌رود. در بین گزینه‌ها فقط گزینه «۲» شکل ساده فعل است.

۷۷۸. گزینه ۳ می‌توانید به من کمک کنید لطفاً؟
برای سؤالی کردن افعال وجهی از did / does / do استفاده نمی‌کنیم و خود افعال وجهی را به کار می‌بریم. (حذف گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»)

۷۷۹. گزینه ۳ او نمی‌تواند فرانسه صحبت کند.
برای منفی کردن افعال وجهی بعد از آن‌ها از not استفاده می‌کنیم؛ بنابراین نمی‌توانیم didn't / doesn't / don't را به کار ببریم. (حذف گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»)

۷۸۰. گزینه ۳ زمانی که من در حال صحبت کردن باشم، باید به من نگاه کنید.
هرگاه بخواهیم چیزی را توصیه و یا کسی را نصیحت کنیم و هم‌چنین برای اجبار ضعیف از should استفاده می‌کنیم. در این تست با یک اجبار ضعیف روبه‌رو هستیم و به همین دلیل از should استفاده می‌کنیم.

۷۸۱. گزینه ۱ من یک دقیقه قبل داشتم از مدادم استفاده می‌کردم، باید یک جایی همین اطراف باشد.
برای بیان نتیجه‌گیری و یا حدس منطقی از must استفاده می‌کنیم. در این تست با یک حدس منطقی روبه‌رو هستیم و به همین دلیل از must استفاده می‌کنیم.

۷۸۲. گزینه ۲ این کیف مال چه کسی است؟ من نمی‌دانم، اما ممکن است که متعلق به جیم باشد.
برای بیان احتمال و حدس از may استفاده می‌کنیم. در این تست هم با یک حدس روبه‌رو هستیم و به همین دلیل از may استفاده می‌کنیم.

۷۸۳. گزینه ۴ شما نباید زیاد شکلات بخورید برای شما خوب نیست.
هرگاه بخواهیم چیزی را توصیه کنیم و یا کسی را نصیحت کنیم و هم‌چنین برای اجبار ضعیف از should استفاده می‌کنیم. در این تست با یک توصیه روبه‌رو هستیم که می‌خواهد کسی را از انجام کاری منع کند، به همین دلیل از shouldn't استفاده می‌کنیم.

۷۸۴. گزینه ۲ متأسفم نمی‌توانم فردا تنیس بازی کنم. وقت ملاقات با دندان‌پزشک دارم.
برای بیان توانایی از can و نداشتن توانایی از can't استفاده می‌کنیم. در این تست با نداشتن توانایی روبه‌رو هستیم و به همین دلیل از can't استفاده می‌کنیم.

۷۸۵. گزینه ۲ او حتماً خیلی راضی است. او بهترین نمرات را گرفت.
برای بیان نتیجه‌گیری و یا حدس منطقی از must استفاده می‌کنیم. در این تست با یک نتیجه‌گیری منطقی روبه‌رو هستیم و به همین دلیل از must استفاده می‌کنیم.

۷۸۶. گزینه ۳ شما نباید در طول امتحان، به برگه هم‌کلاسی‌ها نگاه کنید.
برای بیان اجبار در انجام نشدن کاری از must not (ممنوعیت کاری) استفاده می‌کنیم.

۷۸۷. گزینه ۴ ممکن هست یک لحظه صبر کنید، لطفاً؟
برای بیان پیشنهاد و یا اجازه از can استفاده می‌کنیم. اگر گزینه «۲» را انتخاب کرده‌اید، در نلّه تستی افتاداید، چون may با فاعل‌های اول شخص مفرد و جمع (I و we) به کار می‌رود.

۷۸۸. گزینه ۱ می‌توانم از لپ‌تاب شما برای چند دقیقه استفاده کنم؟
برای اجازه گرفتن از may استفاده می‌کنیم. در این تست چون داریم اجازه می‌گیریم باید از may استفاده کنیم.

۷۸۹. گزینه ۳ من ممکن است ماه آینده به انگلستان برگردم. مطمئن نیستیم.
برای بیان احتمال و حدس از might / may استفاده می‌کنیم. در این تست هم با یک احتمال روبه‌رو هستیم، به همین دلیل از might استفاده می‌کنیم.

Reading 6

برای برخی از مردم، روشن است که هرچه درد و رنج بیشتری بکشند، سود و منفعت بیشتری می‌برند. با این حال، برای سایر افراد، شعارهای «نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود» یا «تنها قوی‌ترین‌ها زنده می‌مانند» در واقع خیلی معنا و مفهوم ندارند. آیا حقیقت دارد که تمرین باید باعث آزار و اذیت شود تا مؤثر واقع گردد؟ همان‌طور که اغلب، این سؤال را نمی‌توان با یک بله یا خیر ساده پاسخ داد. ما چهار حوزه مختلف - از دست دادن وزن، تمرین قدرت، کشش و اجرای عملکرد بهبود یافته - را دقیق‌تر بررسی کرده‌ایم و اکنون مایلیم به شما نشان دهیم اصطلاح «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود» چقدر حقیقت دارد.

اگر قصد دارید وزن خود را کاهش دهید و چند پوند بیشتر خرج کنید، یک چیز ضروری است: تعادل انرژی منفی. اگر بیشتر از این که کالری مصرف کنید آن‌ها را بسوزانید، وزن کم خواهید کرد. از این رو، بهترین جلسات تمرینی برای شما، جلساتی هستند که کالری‌های بسیاری می‌سوزانند. تمرین کل بدن با وزن بدن خودتان یا دو (دوندگی) با فاصله زمانی، دو نوع تمرین مناسب برای آب کردن چربی هستند. در حالی که کالری‌های زیادی با شدت بیشتر، سوزانده می‌شوند، قطعاً ضرورتی ندارد خودتان را به آستانه درد یا فراتر از آن برسانید (هل دهید).

درد، روش هشدار بدن‌تان به شماست. مشکلات سیستم اسکلتی عضلانی غیرفعال شما (مفاصل، غضروف، رباط‌ها و تاندون‌ها)، تقریباً همیشه ناشی از بارگذاری نادرست یا سرپارگزار می‌باشند. حتی از گرفتگی عضله هم نباید غافل شوید. جلسات تمرین بسیار سخت یا حرکات غیر معمولی جدید، می‌توانند منجر به پارگی‌های کوچک در عضلات به نام میکروتروما (آسیب کوچک) شوند. اگر عضلات شما خیلی دچار کشیدگی شده باشند، قطعاً باید از انجام هرگونه تمرینات شدید اجتناب کنید. به بدن خود زمان کافی برای بهبود دهید و فقط همان موقع، تمرین مجدد را شروع کنید. شعار «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود» مخصوصاً در تمرین قدرت، متداول است. اگر هدف‌تان عضله‌سازی است، حقیقتی در مورد آن وجود دارد. به طور کلی، بدن‌تان به محرکی قوی نیاز دارد تا باعث شود بدن شما با شرایط سازگاری پیدا کند. به عبارتی دیگر، باید بدن خود را از دایره راحتی (هم‌ایستایی) خارج کنید تا فرآیند سازگاری جریان یابد.

۷۷۲. گزینه ۴ کدام پاراگراف، معادل مناسبی برای عبارت زیر در متن است؟
نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.

(۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴

۷۷۳. گزینه ۴ تمام جملات در متن، ذکر شده‌اند به جز ...
(۱) تمرین سخت می‌تواند باعث بروز مشکلات عضله‌ای شود.
(۲) تعادل انرژی منفی، در از دست دادن کالری ضروری است.
(۳) خلاص شدن از هم‌ایستایی، به بهبود بدن شما کمک می‌کند.
(۴) هرچه سطح تناسب اندام پایه شما بهتر باشد، می‌توانید تمرین‌های خود را شدیدتر کنید.

۷۷۴. گزینه ۱ با توجه به متن، می‌توان استنتاج کرد که ...
(۱) شما طی تمرین کردن، به هیچ وجه نباید احساس درد کنید.
(۲) قانون اصلی این است که فقط تا زمانی بدن‌تان را کشش دهید که فشار خفیفی را حس کنید.
(۳) هرچه سطح تناسب اندام پایه شما بهتر باشد، می‌توانید تمرین‌های خود را شدیدتر کنید.
(۴) مهم است که به بدن خود گوش دهید و علائمی مثل درد را نادیده نگیرید.

۷۷۵. گزینه ۴ منظور نویسنده‌اش از به کارگیری جمله «تعادل انرژی منفی چیست؟»
(۱) این که دو نوع تمرین مناسب برای آب کردن چربی وجود دارد.
(۲) این که قطعاً ضرورتی ندارد خودتان را در فشار و درد قرار دهید.
(۳) این که قطعاً باید از انجام هرگونه تمرین شدید اجتناب کنید.
(۴) این است که فرآیند سوزاندن کالری را توضیح دهد.

۱ برای راحت تر حفظ کردن ترتیب صفت‌ها سرواژه «کاس شرمجک» را حفظ کنید.

۲ صفت کاربرد، اسمی است که در نقش صفت به کار می‌رود و معمولاً به عنوان آخرین صفت قبل از اسم می‌آید. این صفت به ما می‌گوید که اسم چه کاربردی دارد. مثلاً وقتی می‌گوییم sports shoes (کفش‌های ورزشی) منظورمان این است که این کفش‌ها به درد ورزش کردن می‌خورند.

بین دو صفت رنگ از and استفاده می‌کنیم. خواهرم یک لباس سیاه و سفید پوشیده بود.

100+

e.g. My sister was wearing a black and white dress.

1. I really liked that ball my uncle gave me on my birthday.

- 1) beautiful big blue plastic
3) blue big plastic beautiful

- 2) big blue beautiful plastic
4) beautiful plastic big blue

پاسخ: گزینه ۱ با توجه به ساختار زیر، گزینه ۱ درست است:

صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت
plastic blue big beautiful

صفات تفضیلی

چنانچه قصد مقایسه دو نفر، دو چیز یا دو گروه ... را داشته باشیم به گونه‌ای که یکی از آن‌ها در یک صفت خاص بهتر از دیگری باشد، از صفات تفضیلی استفاده می‌کنیم. ساخت صفت تفضیلی به یک یا چند بخشی بودن کلمه بستگی دارد؛ بنابراین به ساختارها و توضیحاتی که در ادامه می‌آید با دقت توجه کنید.

۱ اگر صفت تک‌بخشی بود، با اضافه کردن "er than" به آن صفت تفضیلی ساخته می‌شود.

صفت تفضیلی = صفت تک‌بخشی + er + than

e.g. Bita is taller than Mitra.

بیتا بلندتر از میتراست.

۲ اگر صفت دوبخشی بود و به حرف y ختم می‌شد، با اضافه کردن "er than" به آن و تبدیل y به i صفت تفضیلی ساخته می‌شود.

صفت تفضیلی = صفت دوبخشی با حرف آخر y + er + than

e.g. I'm happier than my brother.

من خوشحال‌تر از برادرم هستم.

۳ اگر صفت دوبخشی یا چندبخشی بود، برای ساختن صفت تفضیلی قبل از آن more و بعد از آن than به کار می‌بریم.

صفت تفضیلی = صفت دوبخشی / چندبخشی + more + than

e.g. This house is more expensive than that one.

این خانه گران‌تر از آن یکی است.

۴ اگر صفت به y ختم شود، هنگام اضافه کردن er، باید y به i تبدیل شود.

e.g. English is easier than Chinese.

زبان انگلیسی از زبان چینی آسان‌تر است.

۵ اگر صفت به e ختم شود، هنگام ساختن صفت تفضیلی فقط T به kلمه اضافه می‌شود.

e.g. Shiraz is safer than Tehran.

شیراز از تهران امن‌تر است.

۶ اگر حرف آخر صفت بی‌صدا و حرف ما قبل آخر یک حرف صدادار باشد، تکرار داریم (big → bigger)؛ ولی اگر بیش از یک حرف صدادار باشد تکرار نداریم (great → greater).

e.g. This villa is bigger than that one.

این ویلا بزرگ‌تر از آن یکی است.

۷ اگر فقط یکی از دو طرف مقایسه را نام بردیم، دیگر از than استفاده نمی‌کنیم.

e.g. Let's go by train. It's cheaper.

بیا با قطار برویم ارزان‌تر است.

۱ بعضی از صفت‌ها، هم با er و هم با more به صفت تفضیلی تبدیل می‌شوند. این صفت‌ها عبارتند از:

clever	common	cruel	gentle	pleasant
polite	quiet	stupid	handsome	narrow

100+

e.g. She is cleverer / more clever than her brother.

او از برادرش باهوش‌تر است.

۲ قبل از صفت‌های تفضیلی نمی‌توانیم از very استفاده کنیم.

۳ قبل از صفت‌های تفضیلی می‌توانیم از no, any, slightly, rather, far, much, a lot, a little, a bit استفاده کنیم.

e.g. John is much taller than Jack.

جان خیلی قدبلندتر از جک است.

۴ صفت‌های تک‌بخشی که ed می‌گیرند، با استفاده از more به صفت تفضیلی تبدیل می‌شوند.

صفت تفضیلی	صفت تک‌بخشی مختوم به ed
more used	used

گزینه ۲ ۲۳۵۷

(۱) فرایند (۲) شامل، از جمله (۳) نسل (۴) میراث

گزینه ۳ ۲۳۵۸

(۱) دوستانه (۲) به آرامی (۳) ناگهان (۴) به طور غافلگیر کننده‌ای

Cloze Test 3

شروع به شناختن خود کنید. هر چه بیشتر در مورد خودتان بدانید بیشتر هم متوجه خواهید شد و درک خواهید کرد که واقعاً چقدر خاص هستید و بیشتر به خودتان احترام خواهید گذاشت. اصول، شخصیت و استعدادهای خود را کشف کنید. تکمیل این فرآیند هیجان انگیز خودیابی می‌تواند مقداری طول بکشد. اما فوراً خواهید فهمید که ارزشمند بوده است. فهرستی از کارها، افراد، احساسات و فعالیت‌هایی را که برایتان مهم هستند، تهیه کنید. این به شما کمک خواهد کرد تا تشخیص دهید که واقعاً چه چیزی را دوست و در زندگیتان به آن نیاز دارید. فعالیت‌های مختلف را امتحان کنید. این به شما این شانس را خواهد داد تا بدانید که چه چیزهایی را دوست دارید و چه چیزهایی را دوست ندارید.

۲۳۵۹. **گزینه ۳** با توجه به مفهوم باید از and استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۲» و «۴») چون قبل از and فعل ساده آمده است، بنابراین بعد از آن هم باید فعل ساده به کار رود. (حذف گزینه «۱»)

گزینه ۲ ۲۳۶۰

(۱) بخشیدن (۲) کشف کردن (۳) پاسخ دادن (۴) انتخاب کردن

گزینه ۴ ۲۳۶۱

(۱) نوجوان (۲) حافظه (۳) توصیف (۴) فرآیند

 ۲۳۶۲. **گزینه ۱** با توجه به تضاد بین دو جمله از but استفاده می‌کنیم.

گزینه ۱ ۲۳۶۳

(۱) فعالیت‌ها (۲) اصول (۳) توقف‌ها (۴) رهنمودها

Cloze Test 4

این بعد از ظهر الکس ساندرو، جیوفرانو سانتیرا، رافائل تیکسیرا و گوستاو لیما به دلیل قاچاق مواد مخدر به دست سه پلیس دستگیر شدند. همه آن‌ها کم‌تر از ۱۸ سال داشتند. رافائل کوکائین داشت و آن را به بقیه فروخته بود. هم‌چنین در مخفیگاه و دکای مخلوط شده با گیتريد (نوشابه غیر گازدار) پیدا شده بود. با والدینشان دو ساعت بعد از این که آن‌ها دستگیر شده بودند تماس گرفتند او آن‌ها به خاطر آینده و سلامتی فرزندان خود کاملاً نگران بودند. مادر جیوفرانو گریه کنان می‌گفت: «من نمی‌دانستم چه اتفاقی داشت برای کوچولوی عزیزم - جیوفرانو - می‌افتاد. در واقع او به نظر خوب می‌رسید، امکان داشت آن نوجوانان به ۲۰ سال زندان محکوم شوند».

۲۳۶۴. **گزینه ۱** با توجه به مفهوم جمله باید از ساختار مجهول استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») چون فاعل مفرد است. گزینه «۲» نیز حذف می‌شود.

۲۳۶۵. **گزینه ۲** با توجه به مفهوم جمله باید از ساختار مجهول استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») چون فاعل جمع است گزینه ۱ نیز حذف می‌شود.

گزینه ۳ ۲۳۶۶

(۱) الهامات (۲) کاناپه‌ها (۳) بچه‌ها (۴) یزشک‌ها

گزینه ۲ ۲۳۶۷

(۱) امتیاز گرفتن (۲) گریه کردن (۳) نصب کردن (۴) دعا کردن

گزینه ۴ ۲۳۶۸

(۱) راه‌حل‌ها (۲) کمیت‌ها (۳) کیبوتراها (۴) نوجوانان

Cloze Test 5

هر موقع که شما یا خانواده‌تان می‌خواهید به گردش بروید که امکان دارد والدین یا پدر بزرگ و مادر بزرگتان از آن لذت ببرند، آن‌ها را هم دعوت کنید. خیلی از بزرگ‌ترها هنگام پیری زمان زیادی را در خانه می‌گذرانند و فرصتی برای بیرون رفتن جهت یک فعالیت، یک گردش یا یک رویداد با بچه‌ها یا نوه‌ها احتمالاً می‌تواند برای والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایتان هیجان انگیز باشد. هم‌چنین انجام دادن این کارها

۲۳۴۸. **گزینه ۳** وقتی مشکلی پیش می‌آید یا کارها خوب پیش نمی‌روند، راه حل آن فرار کردن نیست. باید فکر کنید و راهی برای تعامل با آن پیدا کنید.

(۱) جایگزین کردن (۲) ایجاد کردن

(۳) اداره کردن (۴) ترقی دادن

درک مطلب
Cloze Test 1

روابطی که ما فرصت ساخت و تقویت آن‌ها را با والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان در طول زندگی مان داشته‌ایم می‌توانند برای ما عمیقاً ویژه و پر معنا باشند. به واسطه درس‌هایی که آموزش داده شد، لشک‌هایی که خشک شد، دستورالعمل‌هایی که به اشتراک گذاشته شد، کلمات تسلی‌بخشی که بیان شد، یا فقط داشتن این توانایی که درک کنی کسی به شیوه‌ای به شما توجه دارد که کس دیگری نمی‌تواند چیزهایی که ما از والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان می‌آموزیم به ما کمک می‌کند تا به صورت فردی ویژه شکل بگیریم و در عناصر بسیار مهم زندگیمان اثرگذار باشیم. گرچه احترام و قدر دانی که برای والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگمان قائل می‌شویم ممکن است عالی باشد، بسیاری از ما آنقدرها که باید به آن‌ها نشان نمی‌دهیم که چقدر برای ما ارزشمندند و دوستان داریم. ما هر چند وقت یک بار واقعاً وقت می‌گذاریم که آن افکار و احساسات را برای والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان بیان کنیم، آن هم از طریق بیان این که چه معنایی برای ما دارند و این که عمیقاً چقدر خاص هستند.

۲۳۴۹. **گزینه ۱** در این تست با توجه به مفهوم، به حرف ربط and دوم احتیاج داریم. (حذف گزینه «۴») از and برای ربط دادن دو عنصر گرامری یکسان استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه «۳») ایراد گزینه «۲» این است که چون قبل از دومین and اسم جمع آمده است، باید بعد از آن هم اسم جمع (grandparents) بیاید.

گزینه ۲ ۲۳۵۰

(۱) مثبت (۲) پر معنا

(۳) معمولی (۴) عزیز

۲۳۵۱. **گزینه ۳** چون دو انتخاب وجود دارد، باید از or استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۱» و «۲») بعد از صفت، مصدر به کار می‌رود. (حذف گزینه «۴»)

گزینه ۴ ۲۳۵۲

(۱) توافق (۲) مرکز

(۳) دامن (۴) قدر دانی

۲۳۵۳. **گزینه ۱** با توجه به مفهوم جمله، به حرف and احتیاج داریم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») ایراد گزینه «۲» این است که باید ابتدا they می‌آمد و سپس are

Cloze Test 2

گلوهایی با اصدای آخس دار، بینی‌های گرفته و درد بدن همگی به معنای رنج هستند و این که بتوانی بگویی دلیل آن‌ها سرما خوردگی یا آنفولانزا است، ممکن است در این که آنفولانزا تا کی طول می‌کشد تفاوت ایجاد کند. به این دلیل که ناروهای تجویزی در دسترس برای آنفولانزا نیاز است تا بلافاصله بعد از این که بیماری ریشه دواند مصرف شوند، در حالی که در سرما خوردگی شخص هر چه زودتر درمان بدون نسخه را آغاز کند، علائم بهبود هم زودتر بروز می‌کنند. علائم سرما خوردگی مثل بینی گرفته، آبریزش بینی و گلودرد به طور معمول به تدریج عود می‌کنند و بزرگسالان و نوجوانان اغلب دچار تب نمی‌شوند. از طرف دیگر، تب یکی از ویژگی‌های اصلی آنفولانزا برای تمام سنین است. به طور کل، علائم آنفولانزا از جمله تب و لرز، گلودرد و بدن درد ناگهانی می‌آیند و شدیدتر از علائم سرما خوردگی هستند.

۲۳۵۴. **گزینه ۲** چون دو انتخاب وجود دارد، باید از or استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۳» و «۴») برای make difference استفاده می‌کنیم. (حذف گزینه «۱»)

گزینه ۴ ۲۳۵۵

(۱) بوسیدن (۲) فراهم کردن

(۳) تولید کردن (۴) چیدن، گذاشتن (ریشه دواندن)

۲۳۵۶. **گزینه ۱** جمله مجهول است و به دلیل وجود فعل کمکی can، گزینه «۱» صحیح است.

279. Karoon is _____ than Atrak. It is _____ river of Iran.
 1) longer – the shortest 2) more long – the longest 3) longer – the longest 4) more long – the shortest
280. Asia is _____ than Europe. It is _____ of all.
 1) bigger – biggest 2) bigger – biggest 3) bigger – the biggest 4) bigger – the biggest
281. This problem is _____ than that one. Actually, this is _____ problem of the book.
 1) more difficult than – the most difficult 2) more difficult – the most difficult
 3) more difficult – most difficult 4) more difficult than – most difficult
282. Gold is _____. It is _____ than silver. Actually, it is _____ metal of the world.
 1) expensive – more expensive – most expensive 2) expensive – expensiver – the most expensive
 3) expensiver – more expensiver – the most expensive 4) expensive – more expensive – the most expensive



صفات‌های برابری

283. Kate's bike was _____ mine. We paid the same price.
 1) cheap 2) as cheap as 3) cheaper than 4) the cheapest
284. Kevin is _____ me. We react in the same way.
 1) more nervous 2) nervous 3) the most nervous 4) as nervous as
285. I'm _____ John. We were both born in 1960.
 1) as old as 2) older than 3) old 4) the oldest
286. A camel is _____ a giraffe.
 1) taller 2) as tall as 3) the tallest 4) not as tall as
287. This isn't as _____ as I thought.
 1) easy 2) easier 3) easiest 4) easier than
288. Hadi bought a _____ cotton dress for his sister as a birthday present.
 1) Japanese blue pretty 2) blue pretty Japanese 3) pretty blue Japanese 4) pretty Japanese blue
289. An eagle flies _____ a sparrow.
 1) higher 2) as high 3) more high 4) higher than
290. Tigers run _____ cats. In fact, tigers are _____ animals in the world.
 1) faster than – the fastest 2) more fast – the fastest 3) faster than – fastest 4) more fast – fastest
291. He is a very _____ player. He is one _____ players in our team.
 1) good – of best 2) well – of the best 3) good – of the best 4) well – of best
292. What a pity we didn't buy that car last month! The prices have gone up and it's _____ before.
 1) as expensive as 2) more expensive than 3) the most expensive 4) less expensive than
293. Why don't you go there by train? It is _____ expensive and _____ comfortable.
 1) least – most 2) less – more 3) more – less 4) most – least
294. The coffee at Golzar coffee shop is cheaper than coffee at Hedayat coffee shop, but it isn't _____.
 1) as well as 2) as good as 3) as well 4) as good
295. His new car is more _____.
 1) expensive than my car 2) cheap than my car 3) expensive than me 4) cheaper than me
296. Of the two chairs, the leather one was _____ than the wooden chair.
 1) less comfortable 2) more comfortable 3) comfortabler 4) comfortable
297. As a matter of fact, this is _____ book that I have ever read.
 1) less exciting 2) most exciting 3) the exciting 4) the least exciting
298. I'm 14, but I'm 1.83 meters tall. All my family members are _____ than me and I'm _____ person in my family.
 1) shorter – the tallest 2) shorter – tallest 3) taller – the tallest 4) taller – tallest
299. My brother seems to be _____ happier than yesterday.
 1) very 2) more 3) many 4) much
300. The flavour of juice is _____ improved during this year.
 1) farther 2) further 3) the farthes 4) the furthest
301. This museum has got _____ collection of antique objects in the world.
 1) the largest 2) largest 3) large 4) larger
302. It was bad enough that he usually came to _____, and I'm going to have to let him go.
 1) work late 2) late work 3) work lately 4) lately work

۲۵۱۹. **گزینه ۱** آنتونی سه دلیل نامعلومی، کار خود را ترک کرد و فوراً به زاین نقل مکان کرد.

(۱) ناشناخته (۲) باستانی (۳) مفید (۴) غیر قابل تغییر
۲۵۲۰. **گزینه ۱** من فکر می‌کنم ناکامی‌اش در کودکی، سرمنشأ مشکلات بعدی او در زندگی شد.

(۱) منبع (۲) بخش، قسمت (۳) ترتیب (۴) شکل
۲۵۲۱. **گزینه ۴** برنده آفریقایی که قادر به پرواز نیست اما به سرعت می‌دود و گردن دراز، پاهای دراز و دو انگشت در هر پا دارد، شتر مرغ نامیده می‌شود و بزرگ‌ترین پرنده زنده است.

(۱) مار (۲) طوطی (۳) کوسه (۴) شتر مرغ
۲۵۲۲. **گزینه ۳** هر چند زبان، تنها مجموعه‌ای از لغات نیست؛ شما برای دانستن یک زبان، باید بدانید چگونه لغات را با هم ترکیب کنید و عبارت و جمله بسازید.

(۱) پروژه (۲) هدف (۳) عبارت (۴) کاغذ
۲۵۲۳. **گزینه ۳** بیتر سخنگوی دوزبانه‌ای است که به سطح مدیریت از نفا یافت؛ زیرا می‌تواند با افراد بیشتری ارتباط برقرار کند.

(۱) یک‌زبانه (۲) متوسط (۳) دوزبانه (۴) دوست‌داشتنی
نکته: promote به معنای «ارتقا دادن» است، راستی این سه کلمه چقدر شبیه هم هستند:
emotion (حرکت)، emotion (احساس) و promotion (بیشرفت)

۲۵۲۴. **گزینه ۱** من به خوبی به یاد می‌آورم که در یک تابستان گرم و خشک با کشاورزی صحبت کردم که در مورد کم بودن محصول سبزیجات خود شکایت می‌کرد.

(۱) محصول (۲) زمین (۳) وظیفه (۴) مرحله، سطح
۲۵۲۵. **گزینه ۱** کار آگاه نتوانست بین اسلحه و مظلوم به قتل رابطه‌ای پیدا کند.

(۱) رابطه (۲) جذابیت (۳) مقدمه (۴) ترکیب
۲۵۲۶. **گزینه ۳** او برای امتحانات، سخت در حال مطالعه است، به علاوه شبها در رستوران کار می‌کند.

(۱) پشت سر (۲) اطراف (۳) مثبت، به علاوه (۴) زیر
۲۵۲۷. **گزینه ۱** فشار خون تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد مثل سن، سابقه خانوادگی، اضافه وزن، استفاده از نمک زیاد در غذا، استرس، نداشتن فعالیت جسمانی و غیره.

(۱) چندین، متعدد (۲) ضروری (۳) پایتخت (۴) شرطی
۲۵۲۸. **گزینه ۴** شماری از مطالعات که اصولاً بر پایه نوع خاصی از سازمان‌ها هستند، تأثیری را که این عناصر خواهند داشت، تجزیه کرده‌اند.

(۱) عاقلانه (۲) ناموفق (۳) به شدت (۴) اصولاً
۲۵۲۹. **گزینه ۴** شما باید تمام مراحل لازم را طی کنید تا مطمئن شوید اطلاعاتی که فراهم می‌کنید درست هستند.

(۱) ترک کردن (۲) تبدیل کردن (۳) توسعه دادن (۴) فراهم کردن
۲۵۳۰. **گزینه ۴** اولین سال‌های جمهوری اسلامی ایران بسیار سخت بودند. بیشتر مردم شاه را نمی‌خواستند، از طرفی هم با نوع جامعه‌ای که ایران قرار بود به آن تبدیل شود، موافق نبودند.

(۱) گنج (۲) منبع (۳) زندگی‌نامه (۴) جمهوری
۲۵۳۱. **گزینه ۲** پلیس دنبال سرنخ‌هایی در خانه قربانی است که امید دارد آن‌ها را به سمت قاتل هدایت کند.

(۱) آهن‌رباها (۲) سرنخ‌ها (۳) نمادها (۴) نشانه‌ها، علائم
۲۵۳۲. **گزینه ۱** هر تعریفی از تروریسم آن را به صورت استفاده غیرقانونی از نیروی خشونت توصیف می‌کند.

(۱) تعریف (۲) تلفظ (۳) ترکیب (۴) الگو
۲۵۳۳. **گزینه ۴** ورود به مدرسه بعد از ساعت ۵ بعد از ظهر مجاز نیست مگر این که یکی از کارکنان همراه شما باشد.

۲۵۳۵. **گزینه ۲** دکه لیموناد (شریت الیمو) شغلی است که به طور رایج توسط بچه‌ها و برای فروش لیموناد انجام می‌شود. این دکه ممکن است میزی از چوب یا جعبه‌های کارتنی با یک تابلوی کاغذی باشد که نام و قیمت محصول روی آن قرار دارد.

(۱) یخچال (۲) دکه، ایستگاه (۳) محصول (۴) فضا
۲۵۳۶. **گزینه ۱** با این حال، مری نتیجه گرفت که اگر هر دوی آن‌ها به کار خود بچسبند و تا جایی که امکان دارد از سر راه یکدیگر کنار روند، همه چیز خوب پیش خواهد رفت.

(۱) چسیدن (۲) بریدن (۳) جست‌وجو کردن (۴) فهمیدن
۲۵۳۷. **گزینه ۱** به لطف تلاش‌های انسان مافوق بشری محلی، اکنون امداد وارد مناطق آسیب دیده شده است.

(۱) مافوق بشری (۲) نامرئی (۳) جذاب (۴) تخیلی
۲۵۳۸. **گزینه ۲** خوردن شیرینی جات، شکلات، کیک و غیره باعث می‌شود مدتی احساس سیری کنید اما بدنتان چیزهای خوب زیادی مثل پروتئین، ویتامین و مواد معدنی را از دست می‌دهد.

(۱) سرد (۲) شیرین (۳) واضح، روشن (۴) گرم
۲۵۳۹. **گزینه ۳** با شروع ترم، به دانش‌آموزان فهرستی از کتاب‌هایی که انتظار می‌رود بخوانند داده می‌شود.

(۱) ترتیب (۲) عبارت (۳) ترم، واژه، اصطلاح (۴) فضا
۲۵۴۰. **گزینه ۳** تیم رئیس جمهور بیانیه‌ای در مورد جدیدترین بمب‌گذاری در اختیار ساعت ۵ منتشر می‌کند.

(۱) بزرگ‌نمایی کردن (۲) مقایسه کردن (۳) منتشر کردن (۴) شامل شدن
نکته: statement هم به معنای «عبارت» و هم به معنای «بیانیه» است.

۲۵۴۱. **گزینه ۳** من فکر می‌کنم توضیح معمول برای این نوع اعتیادها این است که آن‌ها «راه فراری» از یک زندگی ناکام هستند.

(۱) حروف، نامه‌ها (۲) ترتیب‌ها (۳) انواع (۴) منابع
۲۵۴۲. **گزینه ۲** شماری از جوامع محلی، جزوه‌هایی را منتشر می‌کنند که به عنوان فرهنگ لغت‌های کوچک طبقه‌بندی می‌شوند.

(۱) متصل کردن (۲) منتشر کردن (۳) به دست آوردن (۴) کاشتن
۲۵۴۳. **گزینه ۳** تنها یک چیز غیر قابل تغییر است و آن سرعت نور است که در ۳۰۰ میلیون متر در ثانیه حرکت می‌کند.

(۱) غیر قابل ادراک (۲) ارتباطی (۳) غیر قابل تغییر (۴) پیچیده
۲۵۴۴. **گزینه ۴** از آن جایی که برنامه ثابتی نداشتیم، به همان دلیل در برخی مکان‌ها و زمان‌ها، صنعتی را به سرعت و با بی‌نظمی راه‌اندازی کردیم.

(۱) به طور صحیح (۲) به طور مؤثر (۳) عاقلانه (۴) به طور بی‌نظم
۲۵۴۵. **گزینه ۱** شما هر روز صداهای مختلفی را می‌شنوید که ارتعاشات صوتی نامیده می‌شوند. این‌ها سیگنال‌هایی هستند که دیده نمی‌شوند. به سرعت رو به بالا و پایین حرکت می‌کنند و مغزمان آن‌ها را به صورت صدا می‌خواند.

(۱) ارتعاشات (۲) عفونت‌ها (۳) توصیفات (۴) تعریف‌ها
۲۵۴۶. **گزینه ۴** او یک کلاه بزرگ و عینک برای تغییر قیافه پوشید و امیدوار بود کسی او را نشناسد.

(۱) گسترش دادن (۲) باور کردن (۳) فراهم کردن (۴) شناختن
۲۵۴۷. **گزینه ۲** چشمان آبی او از پشت لنزهای (شیشه‌های) عینکش بزرگ‌نمایی شده بود و مثل آب‌های اقیانوس آرام به نظر می‌رسید.

(۱) دسترسی داشتن به (۲) بزرگ‌نمایی کردن (۳) تنوع داشتن (۴) رنج بردن
۲۵۴۸. **گزینه ۲** همسر من از اینترنت استفاده کرده تا دستور غذاهای خارق‌العاده‌ای از فرهنگ‌های سراسر جهان گردآوری کند.

(۱) موفق (۲) ناگهانی (۳) خاص (۴) ضروری

۲۵۳۴. **گزینه ۴** به طور کلی ۶۰ ماده معدنی در بدن کشف شده است و ۲۲ تا از آن‌ها برای سلامتی ضروری هستند.

(۱) نبودن، کمبود (۲) ورودی (۳) نماد (۴) پریدن

۲۹۰۱. **گزینه ۱** آن بچه را فرستاده بودند تا با مدیر ملاقات کند؛ چون پسر کوچک‌تری را در زمین بازی تهدید به کتک زدن کرده بود.
 (۱) مدیر (۲) داوطلب (۳) گردآورنده (۴) مصرف‌کننده
۲۹۰۲. **گزینه ۱** وقتی که پرستار در پیروی از برنامه‌های داروهای تجویز شده کوتاهی کرد، بیماران مریض شدند و تهدید کردند که از بیمارستان شکایت می‌کنند.
 (۱) اطاعت کردن، پیروی کردن (۲) تقاضا کردن
 (۳) همکاری کردن (۴) پخش کردن (رادیو و ...)
۲۹۰۳. **گزینه ۳** آن‌ها می‌خواهند با شما در رابطه با قبض مالیات پرداخت شده صحبت کنند.
 (۱) نمره، امتیاز (۲) شکل، تصویر
 (۳) صورت حساب، قبض (۴) جرح
۲۹۰۴. **گزینه ۱** دانش‌آموزانی که بعد از غیبت به مدرسه باز می‌گردند، باید از طرف پدر و مادر خود، یادداشتی بیاورند.
 (۱) غیبت (۲) خدمت (۳) تجربه (۴) فاصله، مسافت
۲۹۰۵. **گزینه ۳** به همین دلیل است که از رانندگان درخواست می‌شود زمانی که می‌خواهند مخزن سوخت خود را با بنزین پر کنند، موتور خودرو را خاموش کرده و سیگار نکشند.
 (۱) توربین‌ها (۲) اجاق‌ها (۳) موتورها (۴) اصطیل‌ها
۲۹۰۶. **گزینه ۲** او برای یک سفر کاری به نیویورک رفته است، وقتی آن‌جا بود با یک تیر دو نشان زد و هم‌چنین اقوامش را دید.
 (۱) سحرخیز باش تا کامروا باشی (۲) با یک تیر دو نشان زدن
 (۳) کار نیکو کردن از پر کردن است (۴) از دل برود هر آن‌که از دیده برقت
۲۹۰۷. **گزینه ۳** این‌که آن‌طور که دل‌تان بخواهد زندگی کنید، به اهدافی که خودتان مشخص کرده‌اید برسید، و تبدیل به شخصی شوید که می‌خواستید- این خود موفقیت است.
 (۱) سوزاندن (۲) هشدار دادن (۳) رسیدن (۴) غلتیدن
۲۹۰۸. **گزینه ۲** ما باید هزینه سیستم جدید و سودی را که به دست می‌آوریم، بسنجیم.
 (۱) نگه داشتن (۲) سنجیدن (۳) پر کردن (۴) درخواست کردن
۲۹۰۹. **گزینه ۳** با این حال، قبل از نتیجه‌گیری در خصوص تفاوت‌های احتمالی هزینه بین انگلستان و ایالات متحده، به تحقیق بیشتری نیاز است.
 (۱) هضم کردن (۲) نتیجه‌گیری کردن
 (۳) نیاز داشتن (۴) متشکل بودن
۲۹۱۰. **گزینه ۱** آن‌ها صبح زود، زمانی که خورشید هنوز بر فراز کوه‌ها طلوع نکرده بود و ماه هنوز دیده می‌شد، بیدار شدند.
 (۱) طلوع کردن (۲) نگه داشتن (۳) (آواز) خواندن (۴) برنده شدن
۲۹۱۱. **گزینه ۲** در سال ۱۹۹۴، ما برای تحلیل ژنتیکی، لاروهایی را جمع کردیم تا در میان درختان بالغ، ساختار ژنتیکی را تعیین کنیم.
 (۱) نتیجه (۲) ساختار (۳) توانایی (۴) صفت، شخصیت
۲۹۱۲. **گزینه ۱** در تلاش برای کاهش دادن سطح سدیم او، آشپز آگاه به امور سلامت، تصمیم گرفت مقدار نمک استفاده شده در دستورالعمل‌ها را کاهش دهد.
 (۱) کاهش دادن (۲) مصرف کردن (۳) تأمین کردن (۴) تبدیل کردن
۲۹۱۳. **گزینه ۱** بسیاری از مردمی که خط کش در دسترس ندارند، از انگشت خود برای اندازه‌گیری فواصل کوتاه مثل اینچ یا سانتی‌متر استفاده می‌کنند.
 (۱) فاصله‌ها (۲) ایستگاه‌ها (۳) بزرگراه‌ها (۴) مثال‌ها
۲۹۱۴. **گزینه ۳** بجهایی که مجبورند بارهای سنگین حمل کنند از کمردرد دائم و خستگی رنج می‌برند.
 (۱) غذای گیاهی (۲) باد (۳) بار (۴) جزرومد
۲۹۱۵. **گزینه ۴** سرک با هیجان توضیح داد: «در روستای ما، روی هر سقف، یک آنتن برای دریافت سیگنال‌های تلویزیون وجود دارد».
 (۱) استخر (۲) اجاق (۳) قفسه (۴) سقف
۲۹۱۶. **گزینه ۴** به نظر من اگر انسان‌ها در زندگی خود برای چند روز، ناپیدا و

- (۱) موقعیت (۲) اصطیل
 (۳) محل خاک کردن زباله (۴) محیط زیست
۲۸۸۷. **گزینه ۴** احتمال این‌که یکی از فرزندان من جرمی مرتکب یا معتاد شود، تقریباً کم است.
 (۱) بچگی (۲) همسایگی (۳) بزرگسالی (۴) احتمال
۲۸۸۸. **گزینه ۳** پیدا کردن یک گرم داخل سیب، خود به اندازه کافی ناراحت‌کننده است اما پیدا کردن نصفش بدتر است.
 (۱) بریز (۲) سیم، ریمان (۳) گرم (۴) مار
۲۸۸۹. **گزینه ۴** شرکت‌ها باید برای ساختن محیطی که در آن حقوق انسان درک و به آن احترام گذاشته شود، همکاری کنند.
 (۱) پیشنهاد کردن (۲) کاهش دادن (۳) رسیدن (۴) همکاری کردن
۲۸۹۰. **گزینه ۳** از آن جایی که او شخصیت عالی و باثباتی دارد، می‌توانیم به او امیدوار باشیم و ناامید نشویم.
 (۱) لوس (۲) عاشق (۳) عالی (۴) ناراحت
۲۸۹۱. **گزینه ۲** وقتی در شب دوچرخه‌سواری می‌کنی، باید رنگ روشن بیوشی تا بهتر دیده شوی.
 (۱) جادو (۲) قابل دیدن (۳) عالی، باورنکردنی (۴) درخشان

نکته: **visible** به معنای «مرئی» است. حتماً **vision** را به معنای «بینایی» به خاطر دارید.

۲۸۹۲. **گزینه ۴** بسیاری از انواع ماهی‌ها تخم‌هایشان را در دهان خود حمل می‌کنند تا نوزادان از تخم بیرون بیایند و بتوانند از خودشان مراقبت کنند.
 (۱) تولید کردن (۲) جایگزین کردن
 (۳) شکستن (۴) از تخم بیرون آمدن
۲۸۹۳. **گزینه ۴** بیرون رفتن وقتی جسد همسرش را کف آشپزخانه پیدا کرد، وحشت زده شد.
 (۱) امید (۲) خشم (۳) الهام (۴) وحشت، ترس
۲۸۹۴. **گزینه ۲** او بیشتر گیاهان باغچه اش را برای بوی دلپذیری که آزاد می‌کنند انتخاب کرد.
 (۱) از جا کنندن (۲) آزاد کردن، از خود ساطع کردن
 (۳) خاموش کردن (۴) دور ماندن
۲۸۹۵. **گزینه ۱** شما بخشی از یک صنعت جدید به سرعت روبه‌رشد در جهان، یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات هستید.
 (۱) یعنی، برای مثال (۲) مستقیماً (۳) به سرعت (۴) بی در پی
۲۸۹۶. **گزینه ۱** نفت، ماده خام مهمی است که به فراورده‌های مختلف زیادی شامل پلاستیک، پردازش می‌شود.
 (۱) نفت (۲) باد (۳) زباله (۴) مایع
۲۸۹۷. **گزینه ۱** اگر جای تو بودم، دندان اسپ پیش‌کشی را نمی‌شمردم. فقط سپاس‌گزار باش که او به اندازه کافی مهربان بود که وقتی تو به یک ساعت احتیاج داشتی ساعت قدیمی‌اش را به تو داد.
 (۱) دندان اسپ پیش‌کشی را شمردن
 (۲) دو عقل بهتر از یک عقل است
 (۳) هیچ‌جا خانه آدم نمی‌شود
 (۴) آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک
۲۸۹۸. **گزینه ۲** اگر فقط پول خرید مقدار معینی از فراورده‌های ارگانیک را دارید، سبب‌زمینی‌ها گزینه انتخابی خوبی هستند.
 (۱) عجیب (۲) ارگانیک (۳) باستانی (۴) عالی، باورنکردنی
۲۸۹۹. **گزینه ۴** در نقاشی‌های میشل، روی قاب‌ها به صورت جداگانه کار شده بود، اما طوری طراحی شده بودند که کنار هم دیده شوند.
 (۱) صفحات (۲) استخرها (۳) پوندها (۴) قاب‌ها
۲۹۰۰. **گزینه ۲** او توضیح داد: «در حقیقت، مدرسه پول برقی را پرداخت می‌کند که نیروی برق مورد نیاز دستگاه‌ها را بدون بازگشت (برای همیشه) تأمین می‌کند».
 (۱) ایجاد کردن (۲) قدرت بخشیدن (۳) مصرف کردن (۴) مطلوب، مورد نیاز

۲۰۴۰. گزینه ۱ قبل و بعد از OF باید ساختار گرامری یکسان بیاید. چون قبل از OF مجهول است، بعد از آن هم مجهول می آید.

۲۰۴۱. گزینه ۳ (۱) توصیه‌ها (۲) سقف‌ها (۳) منابع (۴) منظره‌ها

۲۰۴۲. گزینه ۲ (۱) آلوده کردن (۲) در نظر گرفتن (۳) اطاعت کردن (۴) همکاری کردن

۲۰۴۳. گزینه ۱ (۱) تجدیدپذیر (۲) شیمیایی (۳) عالی (۴) الکتریکی

۲۰۴۴. گزینه ۲ جمله مجهول است و باید از ساختار مجهول افعال وجهی استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۱» و «۳») با توجه به مفهوم جمله باید از مجهول can استفاده کنیم. (حذف گزینه ۴)

Cloze Test 2

باد یک نوع انرژی خورشیدی است. بادها به وسیله گرمای متغیر جو توسط خورشید، بی‌نظمی‌های سطح زمین و جرخش زمین ایجاد می‌شوند. الگوهای جریان باد به وسیله منطقه زمین، مجموعه آب‌ها و پوشش گیاهی تعدیل می‌شوند. این جریان باد با انرژی حرکتی زمانی که به وسیله توربین‌های بادی مدرن مهار می‌شود برای تولید برق مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصطلاحات «انرژی بادی» یا «توان بادی» فرآیندی را شرح می‌دهند که طی آن باد به کار گرفته می‌شود تا نیروی مکانیکی یا برق تولید کند. توربین‌های بادی، انرژی جنبشی در باد را به توان مکانیکی تبدیل می‌کند. این توان مکانیکی می‌تواند برای کارهای خاص (آسیاب کردن حبوبات یا پمپاژ کردن آب) مورد استفاده قرار گیرد یا یک ژنراتور می‌تواند این توان مکانیکی را به برق تبدیل تا برق خانه‌ها، کسب و کارها، مدارس و نظیر این‌ها را تأمین کند.

۲۰۴۵. گزینه ۲ (۱) خنک (۲) خورشیدی (۳) ناراحت (۴) ثروتمند

۲۰۴۶. گزینه ۴ جمله مجهول است و باید از ساختار مجهول افعال وجهی استفاده کنیم. (حذف گزینه‌های «۱» و «۳») با توجه به مفهوم جمله باید از مجهول can استفاده کنیم. (حذف گزینه ۲)

۲۰۴۷. گزینه ۳ (۱) معرفی کردن (۲) شمردن (۳) برگرداندن، تبدیل کردن (۴) به کار بردن

۲۰۴۸. گزینه ۱ (۱) مکانیکی (۲) خنک (۳) خورشیدی (۴) عالی

۲۰۴۹. گزینه ۲ (۱) تلف کردن (۲) نیرو... تأمین کردن (۳) هشدار دادن (۴) تا آخر مصرف کردن

Cloze Test 3

خورشید قدرتمندترین منبع انرژی ماست. نور خورشید یا انرژی خورشیدی می‌تواند برای گرما، روشنایی و خنک کردن خانه‌ها و سایر ساختمان‌ها، تولید برق، گرم کردن آب و در فرآیندهای صنعتی گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. فناوری مورد استفاده در مهار کردن انرژی خورشیدی به طور دائم در حال تکامل است و شامل لوله‌های آبگرمکن پشت‌بام، سامانه‌های تولید برق و مجموعه آینه‌ها می‌شود. صفحات پشت‌بام مزاحم نیستند اما مجموعه بزرگی روی زمین می‌تواند باز یستگاه حیات وحش رقابت کند.

۲۰۵۰. گزینه ۲ (۱) پنکه (۲) منبع (۳) ایستگاه (۴) هدف

۲۰۵۱. گزینه ۴ جمله مجهول است و باید از ساختار مجهول افعال وجهی استفاده کنیم. (حذف گزینه «۱») با توجه به مفهوم جمله باید از can استفاده کنیم. (حذف گزینه «۲») ایراد گزینه «۳» این است که بعد از for باید اسم مصدر بیاید.

۲۰۵۲. گزینه ۴ (۱) ضرب‌المثل (۲) احتمال (۳) فاصله (۴) برق

۲۰۵۳. گزینه ۱ (۱) تنوع (۲) فرمول (۳) وسیله (۴) مورچه

(۱) ازاسی‌ها (۲) اسناد، مدارک (۳) راهنماها (۴) کتابچه‌ها
۲۰۳۰. گزینه ۱ این کتاب که درباره حقوق بشر است با موضوعات گزیده حقوق بشر سروکار دارد که تحت نظارت جدی است با اهمیت خاصی دارد.

(۱) سروکار داشتن با (۲) فراهم کردن (۳) عرضه کردن، فراهم کردن (۴) سود بردن

۲۰۳۱. گزینه ۳ مردم فقیر اغلب می‌دانند که باید به مشکلات خود غلبه کنند، اما آن‌ها منابع برای اقدام کردن ندارند.

(۱) ناتوان کردن (۲) نتیجه گرفتن (۳) غلبه کردن (۴) تقاضا کردن

۲۰۳۲. گزینه ۴ در این دوره، ۹۷۴ بیماری واگیردار وجود داشت که به مصرف شیر خام نسبت داده شد.

(۱) انتخاب (۲) پیشنهاد (۳) کاهش (۴) مصرف
۲۰۳۳. گزینه ۳ یک شبکه ارتباط وسیع در بدن انسان وجود دارد که کار می‌کند تا محیط را بررسی نماید و زمانی که نیاز شد پاسخ سریع و هماهنگی بدهد.

(۱) آلوده کردن (۲) تغییر دادن (۳) بررسی کردن (۴) نابود کردن

۲۰۳۴. گزینه ۱ این زنان، اغلب همراه با مسئولیت‌های خانوادگی خودشان، کار سنگین و طاقت‌فرسایی را نیز با روحیه‌ای بخشنده انجام می‌دهند.

(۱) طاقت‌فرسا، سخت (۲) خوب (۳) مهم (۴) عالی

۲۰۳۵. گزینه ۴ چرا الکترون‌ها مثبت و نوترون‌ها منفی هستند؟ نسبت دادن منفی و مثبت بودن به بارهای هر ذره کاملاً قراردادی است.

(۱) تغییرات (۲) الکتریکی‌ها (۳) نخ‌ها (۴) بارها

۲۰۳۶. گزینه ۴ من می‌خواهم رازهای طبیعت را آشکار کنم و آن‌ها را برای خوشبختی بشر به کار ببرم. بهتر از این، خدمت دیگری برای ارائه در این مدت کوتاهی که در جهان هستیم نمی‌شناسم.

(۱) تأمین کردن (۲) ایستادن (۳) اطاعت کردن (۴) به کار بردن

۲۰۳۷. گزینه ۲ درست نیست که به دوست پشت کنی، او همراه همیشگی تو بوده است.

(۱) چرخیدن (۲) دور زدن، پشت کردن (۳) غلتیدن (۴) اداره کردن

نکته: turn one's back on به معنای «به کسی پشت کردن» است.

۲۰۳۸. گزینه ۲ به تازگی رشد زیادی را تجربه کرده‌ایم، در حالی که نرخ بیکاری تا ۲/۹٪ ثابت مانده است.

(۱) معادل (۲) ثابت (۳) جهانی (۴) باور نکردنی

۲۰۳۹. گزینه ۴ صادق خان شهردار لندن گفته است که به اعتقاد او شایسته نیست انگلستان برای رئیس جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، فرش قرمز پهن کند (از او به گرمی استقبال کند).

(۱) شارژ کردن (۲) طراحی کردن (۳) تولید کردن (۴) چرخاندن

نکته: to roll out red carpet به معنای «پهن کردن فرش قرمز» است.

درک مطلب

Cloze Test 1

یک منبع تجدیدشدنی ماده‌ای با ارزش اقتصادی است که وقتی موجودی آن رو به اتمام است، می‌تواند در همان مدت زمان یا زمانی کم‌تر جایگزین یا دوباره فراهم شود. برخی منابع تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، انرژی باد و فشار گرمایی زمین اساساً یک موجودی بی‌پایان دارند؛ در حالی که منابع دیگری هم تجدیدپذیر در نظر گرفته می‌شوند به رغم این‌که باید مقداری وقت یا زحمت جهت تجدید آن‌ها صرف کرد مانند چوب، اکسیژن، چرم و ماهی. بیشتر فلزات گرانبها هم تجدیدپذیر در نظر گرفته می‌شوند، هر چند که به طور طبیعی جایگزین نمی‌شوند، آن‌ها می‌توانند بازیافت شوند چون در طول استخراج و استفاده تخریب نمی‌شوند.

59. **useful** (adj.) مفید

syn helpful **opp** harmful

I want to learn techniques that could be **useful** to teachers.

من می‌خواهم تکنیک‌هایی را یاد بگیرم که بتوانند برای معلم‌ها مفید باشند.

60. **system** (n.) سیستم، نظام

the digestive system سیستم گوارش

syn arrangement

Under the present **system**, we don't have any flexibility.

تحت سیستم حاضر، ما هیچ انعطاف‌پذیری نداریم.

61. **silver** (n.) نقره

He won a **silver** medal at the last Olympics.

او در آخرین المپیک برنده یک مدال نقره شد.

62. **sick** (adj.) مریض، بیمار

syn ill | unwell

Maria can't come today because she's **sick**.

ماریا امروز نمی‌تواند بیاید چون مریض است.

63. **seafood** (n.) غذای دریایی

I know a good **seafood** restaurant.

من یک رستوران غذای دریایی خوب می‌شناسم.

64. **round** (adv.) گرد، دور

syn circular

She was seated at a small, **round** table.

او پشت یک میز کوچکی گرد نشسته بود.

We sat **round** the table playing chess.

ما دور میز نشستیم و شطرنج بازی کردیم.

65. **real** (adj.) / **reality** (n.) واقعی / واقعیت

syn actual | factual

There is a **real** danger that the disease might spread.

یک خطر واقعی وجود دارد که بیماری ممکن است پخش شود.

66. **plasma** (n.) پلاسما

The yellowish liquid part of blood that contains the blood cells is called **plasma**.

بخش مایع زرد رنگ خون که شامل سلول‌های خونی است پلاسما نامیده می‌شود.

67. **virus** (n.) ویروس

They are trying to stop the spread of the flu **virus**.

آن‌ها تلاش می‌کنند که گسترش ویروس آنفولانزا را متوقف کنند.

68. **neighbor** (n.) همسایه

One of the **neighbors** complained about the noise from the party.

یکی از همسایه‌ها درباره سر و صدای مهمانی شکایت کرد.

69. **nation** (n.) / **national** (adj.) / **nationality** (n.) /

international (adj.) ملت / ملی / ملیت / بین‌المللی

Food shortage is often a problem in developing **nations**.

کمبود غذا اغلب یک مشکل در میان ملت‌های در حال توسعه است.

70. **moon** (n.) ماه

The stars and thin crescent **moon** gave just enough light to see the path.

ستاره‌ها و هلال ماه نور کافی برای دیدن مسیر را فراهم کردند.

71. **modern** (adj.) جدید، مدرن

syn contemporary | current | recent **opp** ancient

Computers are an essential part of **modern** life.

کامپیوترها یک بخش ضروری زندگی مدرن هستند.

72. **microscope** (n.) میکروسکوپ

Abnormalities in the cells can be seen quite clearly under a **microscope**.

بن‌نظمی در سلول‌ها فقط زیر میکروسکوپ به‌طور واضح می‌توانند دیده شوند.

73. **medium** (adj.) متوسط

What size shirt does he wear, small, **medium** or large?

او چه سایز پیراهنی می‌پوشد، کوچک، متوسط یا بزرگ؟

74. **laugh** (v.) / **laughter** (n.) خندیدن / خنده‌دار

Tony was **laughing** so hard, he had to steady himself on the table.

تونی آن قدر شدید می‌خندید که مجبور شد خودش را روی میز ثابت نگه دارد.

75. **grow** (v.) / **grow up** (v.) رشد کردن، افزایش یافتن / بزرگ شدن

The number of students at the college has **grown** from 200 to over 500.

تعداد دانش‌آموزان در کالج از ۲۰۰ به بیش از ۵۰۰ [تقریباً] افزایش یافته است.

76. **gold** (n.) طلا

He bought a **gold** ring for his wife.

او برای همسرش یک حلقه طلا خرید.

77. **go around** (phr. v.) این‌ور و آن‌ور رفتن، این‌جا و آن‌جا سر زدن

He **goes around** in a T-shirt even in winter.

او حتی در زمستان با یک تی‌شرت این‌ور و آن‌ور می‌رود.

78. **gift** (n.) هدیه

syn present | award | grant

The clock was given as a retirement **gift** when he left the police.

وقتی او [اداره] پلیس را ترک کرد یک ساعت به عنوان هدیه بازنشستگی

به او داده شد.

79. **fatty** (adj.) چرب

Fatty foods are dangerous for your health.

غذاهای چرب برای سلامتی شما خطرناک هستند.

جلسه سوم

80. **far** (adv.) ۱- دور ۲- خیلی، زیاد

opp near | close

The children don't go **far** from home. بچه‌ها دور از خانه نمی‌روند.

81. **even** (adv.) ۱- حتی ۲- یکنواخت ۳- زوج

Most companies have suffered a drop in their profits, **even**

very large companies.

خیلی از شرکت‌ها، حتی شرکت‌های بزرگ از کاهش در سودشان رنج می‌برند.

82. **disease** (n.) بیماری

syn sickness | illness

She suffers from a rare **disease** of the brain.

او از یک بیماری نادر مغزی رنج می‌برد.

83. **deep** (adj.) / **depth** (n.) عمیق / عمق

syn bottomless

The castle is on an island surrounded by a **deep** lake.

قلعه در جزیره‌ای است که توسط یک دریاچه عمیق احاطه شده است.

84. **dark** (adj.) تاریک، تیره

There were **dark** clouds in the sky.

ابرهای تیره‌ای در آسمان وجود داشتند.

440. Five teenagers have been charged following a/an _____ on a police officer which left him needing to stitches to his head.
1) exercise 2) power 3) hint 4) attack
441. A number of European countries, including France, and Switzerland do not _____ information on the ethnicity of their resident population.
1) control 2) correct 3) collect 4) carry
442. Allow me to congratulate with all my best wishes upon your having reached your sixtieth birthday. May you live a long, _____ and joyful life.
1) heavy 2) famous 3) healthy 4) injured
443. The biggest shock for the union seems to be that, if given the opportunity, patients will choose to travel round the country, and even go _____ if it means that they will be treated faster.
1) anywhere 2) abroad 3) around 4) well
444. If all the water vapor in our atmosphere were condensed to _____ at the same time, there would be enough water to cover the United States with a 25-foot-deep layer of water.
1) gas 2) cell 3) solid 4) liquid
445. Theoretically he had control over more than \$400 million in US accounts. But, in _____, it was the US Treasury and State Department who controlled those accounts.
1) exercise 2) defense 3) fact 4) rock
446. An AIDS Patient once said, sometimes I have a terrible feeling that I am dying not from the _____, but from being untouchable.
1) cell 2) plasma 3) virus 4) carbon dioxide
447. "A cylinder-shaped device for making objects that are faraway look closer and larger, using a combination of lenses, or lenses curved mirrors" is called _____.
1) observatory 2) telescope 3) microscope 4) system
448. No matter what age, the characteristics of young people always embrace the ideals and illusions. This is not anything wrong, but a valuable _____.
1) nationality 2) wonder 3) opinion 4) quality
449. In the late eighteenth century, a passport for an American was usually _____ by the president of the United States.
1) singed 2) created 3) donated 4) collected
450. There are superficial similarities between the two cars, but _____ they're quite different in terms of performance.
1) correctly 2) neatly 3) actually 4) strangely
451. These people who, while believing in a god and goddess, follow the ancient pagan religions that revere the _____ and beauty of nature and its changing seasons.
1) wonders 2) choices 3) facts 4) signs
452. Many of them try to enrich their social life by participating in a number of _____ outdoor activities, including camping with friends and family members, going to the beach, travelling and sightseeing locally and nationally.
1) delicious 2) interesting 3) powerful 4) alike
453. Given that these change overtime, the dominance of an industry by a certain _____ may be transitory.
1) quality 2) age 3) opinion 4) nationality
454. Standard measurement of blood pressure is an important but crude way of assessing the risk of heart _____ or strokes.
1) condition 2) sign 3) element 4) diseases
455. It's wonderful to work with real _____ players but it's just as satisfying to see the younger players develop and learn.
1) quality 2) nationality 3) reality 4) quantity
456. Several years later, the man named Paldawar would die, _____ out on the floor of a dirty hotel room in the middle of the night.
1) working 2) bleeding 3) signing 4) controlling
457. The United States is the only Western power that supplies Taiwan with _____ weapons and makes a large sum of money.
1) defensive 2) healthy 3) interested 4) alike

تست‌های درک مطلب

Comprehension Tests

Cloze Test

1 The planet Jupiter is the fifth planet from the (458), and is two and a (459) times more massive than all the other (460) in the solar system combined. It is made primarily of gases and is therefore known as a "gas giant". This planet is the fourth (461) object in the solar system. Only the Sun, Moon and Venus are (462). It is one of five planets visible to the naked eye from Earth.

- | | | | |
|-----------------------|----------------------|-------------------|-----------------------|
| 458. 1) area | 2) Sun | 3) fact | 4) rock |
| 459. 1) medium | 2) size | 3) half | 4) observation |
| 460. 1) planets | 2) sharks | 3) lenses | 4) rings |
| 461. 1) brighter than | 2) brightest | 3) most brightest | 4) the most brightest |
| 462. 1) the brighter | 2) the most brighter | 3) most brighter | 4) brighter |

2 Water! We drink it, wash in it, cook with it, swim in it and generally take it for granted. This clear and tasteless liquid is so much part of our lives that we hardly ever think about its (463) properties. We would die in a few days (464) water—and our bodies are 65% water. Water is necessary to dissolve essential minerals and oxygen, flush our bodies of waste (465), and transport nutrients around the body where needed. Water is the only substance that has these properties. And as we shall see, it has many more fascinating features that (466) that it has been designed 'just right' for life. There are three states of matter: solid, liquid, and gas. All three are essential for living things. The solid state maintains its shape. (467) is able to flow and take up the shape of its container, while keeping the same total volume. A gas expands to fill both the shape and size of its container.

- | | | | |
|------------------|--------------|-----------|--------------|
| 463. 1) amazing | 2) polite | 3) fatty | 4) rocky |
| 464. 1) against | 2) without | 3) during | 4) among |
| 465. 1) products | 2) areas | 3) facts | 4) interests |
| 466. 1) suggest | 2) pump | 3) cross | 4) describe |
| 467. 1) Venus | 2) Telescope | 3) Gas | 4) Liquid |

3 Blood is essential to life. Blood circulates through our (468) and delivers essential substances like oxygen and nutrients to the body's cells. It also transports metabolic waste products away from those same (469). There is no substitute for blood. It cannot be made or manufactured. Generous blood donors are the only source of blood for patients in need of a blood transfusion. There are four basic components that comprise human blood: (470), red blood cells, white blood cells and platelets. Red blood cells, which (471) oxygen to the tissues. White blood cells, which fight infections. Platelets, (472) that help blood to clot.

- | | | | |
|------------------------|------------------|----------------------|--------------------|
| 468. 1) attack | 2) body | 3) control | 4) disease |
| 469. 1) cells | 2) interests | 3) places | 4) materials |
| 470. 1) light | 2) plasma | 3) element | 4) ant |
| 471. 1) cross | 2) light | 3) worry | 4) carry |
| 472. 1) smallest cells | 2) smaller cells | 3) the smaller cells | 4) the small cells |

4 A solar system is a (473) and all of the objects that travel around its planets, (474), asteroids, comets and meteoroids. Most stars host their own (475), so there are likely tens of billions of other solar systems in the Milky Way galaxy alone. Solar systems can also have (476) star. These are called binary star systems if there are two stars, or multi-star systems if there are three or more stars. The solar system we call home is located in an outer spiral arm of the vast Milky Way galaxy. It consists of the Sun (our star) and everything that (477) around it.

- | | | | |
|-----------------------|------------------|------------------|----------------------|
| 473. 1) star | 2) Uranus | 3) thousand | 4) Nile |
| 474. 1) silvers | 2) moons | 3) Saturn | 4) camels |
| 475. 1) planets | 2) planes | 3) plans | 4) plains |
| 476. 1) more one than | 2) most than one | 3) more than one | 4) the most than one |
| 477. 1) orbits | 2) collects | 3) compares | 4) defends |

3 To be able to see anything, eyes first need to process light. The size of the pupil, which regulates how much light enters the eye, is controlled by the iris. The shape of the lens is altered by the muscles just behind the iris so that near or far objects can be brought into focus on the retina. Primates, including humans, have well-developed vision using two eyes, called binocular vision. Visual signals pass from each eye along the million or so fibers in a way that allows both sides of the brain to receive signals from both eyes. When you look at a scene with both eyes, the objects to your left register on the right side of the retina. This visual information then maps to the right side of the right hemisphere. Conversely, the right half of the scene registers in the left hemisphere. The human eye contains three types of cones (red, green, and blue), each sensitive to a different range of colors. Because their sensitivities overlap, cones work in combination to convey information about all visible colors. You might be surprised to know that we can see thousands of colors using only three types of cones, but computer monitors use a similar process to generate a spectrum of colors. The central part of the human retina, where light is focused, is called the fovea, which contains only red and green cones. The area around the fovea, called the macula, is critical for reading and driving. Death of photoreceptors in the macula, called macular degeneration, is a leading cause of blindness among the elderly population in developed countries, including the United States.

498. Which of the following is NOT stated in the text?

- | | |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| 1) Iris controls retina. | 2) Iris alters the shape of the lens. |
| 3) Iris controls light entrance. | 4) Iris is made of fibers. |

499. Which of the following statements is FALSE?

- 1) Humans and primates are binocular.
- 2) Eye lens is only adaptive to the size of objects.
- 3) Right hemisphere is responsible for registering the left half of the scene.
- 4) Fovea is surround by macula.

500. We see all different colors because _____ .

- | | |
|---------------------------|---|
| 1) our eyes contain cones | 2) each cones receives information about colors |
| 3) cones overlap | 4) cones work in combination |

501. The most prominent cause of blindness is _____ .

- 1) found in many countries
- 2) due to fovea
- 3) the result of the death of receptors in macula
- 4) because of the degeneration

502. What is the best title for the passage?

- 1) Senses and perception
- 2) Vision and light
- 3) The characteristics of vision in humans and other primates
- 4) How do the eyes perceive visible colors?

4 Just as a fish never stops to think about the water in which it spends its entire life, so do many human beings rarely pause to consider the body fluids that make our lives possible.

Though not always fit for polite conversation, even the less pleasant among them play a crucial role in maintaining health. By learning a bit more about 11 of these body fluids, we can develop a deeper appreciation for the beauty and complexity of our own biology. What exactly are these fluids, and what often unheralded contributions do they make? Bile is a brown to dark green fluid that is produced by the liver, stored in the gallbladder (a synonym for bile is gall), and released into the intestines when we eat. It is partly responsible for the color of vomitus and stool. Its most important ingredient is bile salts, which function like soap to break down dietary fats, enabling them and fat-soluble vitamins such as A, D and E to be absorbed. They also help to prevent the cholesterol-containing bile in the gallbladder from forming gallstones. Perhaps the most important body fluid of all is blood. The average adult contains about six liters of blood, which functions to transport oxygen to cells, carry metabolic waste products such as carbon dioxide away from cells and transport infection-fighting white blood cells, glucose, hormones and other essential substances throughout the body. Blood also contains cell fragments called platelets and clotting factors that help to seal leaks that may develop in blood vessels. Saliva is secreted by salivary glands in and around the mouth. The average adult produces about a liter of saliva per day, with peak secretion at meals. Like mucus, saliva contains antibacterial enzymes and antibodies, as well as mucus itself. Saliva helps to moisten food, which is important to lubricate chewing and swallowing. It also enhances taste, because if the chemicals in food were not in a liquid medium, they could not be detected by taste receptors.

مفرد	ترجمه	جمع	ترجمه
himself	خودش (مذکر)	themselves	خودشان
herself	خودش (مؤنث)		
itself	خودش (غیرانسان)		

ضمایر انعکاسی

هر گاه فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک شیء باشند، از ضمایر انعکاسی به جای ضمایر مفعولی استفاده می‌کنیم. او خودش را معرفی کرد.

e.g. She introduced herself.

e.g. I cut myself with a blade.

من صورت خودم را با تیغ بریدم.

به ترکیب فعل‌های enjoy, help و make با ضمایر انعکاسی در جمله‌های زیر دقت کنید.

e.g. I really enjoyed myself.

e.g. Please help yourselves with sandwiches.

e.g. Please make yourself at home.

واقعاً اوقات خوشی داشتم.
لطفاً با ساندویچ‌ها از خودتان پذیرایی کنید.
لطفاً فکر کن در خانه خودت هستی.

بعد از حروف اضافه مکان (above, below, beside, before,...) روی مفعول کار انجام نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توانیم ضمایر انعکاسی را به کار ببریم و باید از ضمایر مفعولی استفاده کنیم.

e.g. Jack put the bag down beside him.

جک کیف خود را کنارش گذاشت.

بعد از دو فعل take (بردن، برداشتن) و bring (آوردن) که معمولاً با حرف اضافه with می‌آیند، نمی‌توانیم از ضمایر انعکاسی استفاده کنیم.

e.g. She didn't take an umbrella with her.

او چتر با خودش نبرد.

به تفاوت each other و one another (همدیگر، یکدیگر)، با ضمایر انعکاسی دقت کنید:

e.g. Jack and John write to each other/one another every week.

جک و جان هر هفته به یکدیگر نامه می‌نویسند.

اگر در این مثال به اشتباه از ضمیر انعکاسی themselves استفاده کنید با ترجمه‌ای عجیب روبه‌رو خواهید شد: جک و جان هر روز برای خودشان نامه می‌نویسند.

بعد از افعال زیر ضمیر انعکاسی به کار نمی‌رود.

decide – get up – hurry – meet – remember – rest – relax – sit down – stand up – wake up

ضمایر انعکاسی را نمی‌توانیم از جمله حذف کنیم؛ چون نقش مفعول را بازی می‌کنند.

ضمایر تأکیدی

هر گاه بخواهیم بگوییم که فاعل کاری را خودش و نه شخص دیگری انجام داده است، از ضمایر تأکیدی استفاده می‌کنیم. این ضمایر می‌توانند بعد از اسم یا ضمیر و یا بعد از مفعول قرار بگیرند.

e.g. She herself wrote the letter.

e.g. Marie Curie found uranium herself.

او خودش نامه را نوشت.
ماری کوری خودش اورانیوم را کشف کرد.

ضمایر تأکیدی می‌توانند بعد از فعل لازم هم بیایند.

e.g. I went myself.

من خودم رفتم.

اگر بعد از حرف اضافه by از ضمایر تأکیدی استفاده کنیم، معنی «تنها و بدون کمک دیگران» می‌دهد.

e.g. I went to park by myself.

من خودم تنها به پارک رفتم.

اگر ضمایر تأکیدی را از جمله حذف کنیم، معنی جمله دچار مشکل نمی‌شود؛ چون این ضمایر برای تأکید می‌آیند.

3. A: "Did anyone help them do the project?"

B: "No, Those college students, Ted and Tom did the project. They actually worked together hard."

(هنگامه ۹۸)

1) who

2) they

3) themselves

4) were those

پاسخ: گزینه ۳ الف: آیا در پروژه کسی به آن‌ها کمک کرد؟ ب: نه، آن دانش‌آموزان کالج، تد و تام خودشان پروژه را انجام دادند، در واقع آن‌ها با هم سخت کار کردند.

نقطه چین را باید با توجه به Ted and Tom با ضمیر تأکیدی کامل کنیم.

597. Peyman was driving very fast _____ the police stopped _____.
- 1) when – himself 2) while – him 3) while – himself 4) when – him
598. We _____ tennis when John hurt _____.
- 1) were playing – himself 2) were playing – his 3) playing – himself 4) played – his
599. _____, everyone was working.
- 1) When I was walking into the room 2) When I walked into the room
3) While I walked into the room 4) As I walked into the room
600. Which one is grammatically WRONG?
- 1) I'm liking this song. 2) Do you agree with me?
3) I hate my new boss. 4) What do you want to do now?
601. Which one is grammatically WRONG?
- 1) I myself wrote these books. 2) She saw herself in the mirror.
3) He wrote the letter herself. 4) We ourselves cooked dinner.
602. Which one is grammatically WRONG?
- 1) I was studying English when he called. 2) He was reading a book while I was cleaning the villa.
3) She was watching TV when he arrived. 4) He was washing the dishes when I was doing my homework.
603. Which one is grammatically WRONG?
- 1) I'm hoping that you pass your English exam. 2) Don't believe that man.
3) I see what you mean. 4) She wants to go to cinema.
604. Which one is grammatically correct?
- 1) They ordered ourselves a lemonade. 2) I'm believing in Allah.
3) While I wrote the letter, he phoned. 4) I was playing Ping-Pong when she arrived.
605. Mary _____ me up. She really annoyed me.
- 1) always ring 2) was always ringing 3) rang 4) is always ringing
606. Which of the following sentences is grammatically Wrong?
- 1) Please help yourself to some apple pie. I baked it for you.
2) If I were invisible I wouldn't have to dress myself.
3) I can't believe that you aren't at least willing to consider the possibility that there's another explanation.
4) If you throw your jeans in the washing machine, I'll wash them for yourself.
607. I _____ at the picture when she attacked.
- 1) look 2) am looking 3) looking 4) was looking
608. I _____ to my boss several times, but she _____.
- 1) talked – didn't listen to myself 2) was talking – didn't listen to me
3) talked – didn't listen to me 4) was talking – didn't listen to myself
609. Which of the following sentences is grammatically Wrong?
- 1) I went to the movie thinking that it would be fun, but it left me with a bad taste in my mouth.
2) She always prides herself on her academic background.
3) You yourself need to learn how to drive a car.
4) The two men understood themselves perfectly, and had a mutual respect for each other's strong qualities.
610. When he _____, I _____ in the shower.
- 1) arrived – is 2) was arriving – was 3) arrived – was 4) was arriving – is
611. She _____ from the politics the year after she _____ the Nobel Prize.
- 1) was retiring – received 2) was retiring – was receiving
3) retired – was received 4) retired – received
612. We were good friends. We _____ well.
- 1) know ourselves 2) were knowing ourselves 3) were knowing each other 4) knew each other
613. Which one is grammatically WRONG?
- 1) She dressed herself and got ready for the party. 2) She rang her father because she needed him.
3) She wanted to cut a slice of cake for herself. 4) My friend is disabled, but she can dress herself.
614. Which one is grammatically correct?
- 1) I took my dog with myself. 2) you should buy for yourself a new laptop.
3) I took my little brother with me. 4) He always send herself's letters.

جلسه اول

1. value (n.) (v.) / valuable (adj.) / valuation (n.)

۱- ارزش ۲- قیمت ۳- ارزش قائل شدن / ارزشمند / ارزیابی
syn worth

She is going to sell everything of **value** that she possesses.
 او قصد دارد همه چیزهای با ارزشی که دارد بفروشد.

2. knowledge (n.) / knowledgeable (adj.)

۱- دانش ۲- اطلاع، آگاهی / آگاه
 He has devoted himself to the pursuit of **knowledge**.
 او خودش را وقف دستیابی به دانش کرده است.

3. seek (v.)

جست‌وجو کردن

syn look for

Snakes **seek** the sun to warm their bodies.
 مارها برای گرم کردن خودشان به دنبال خورشید هستند.

4. cradle (n.)

گهواره

He learned to play chess when he was barely out of the **cradle** (when he was very young).
 او وقتی که به سختی از گهواره بیرون آمده بود (وقتی خیلی کوچک بود)، یاد گرفت که شطرنج بازی کند.

5. grave (n.)

قبر

We went to Kashan to visit my aunt's **grave**.
 ما به کاشان رفتیم تا مزار (قبر) عمه‌ام را ببینیم.

6. holy (adj.)

مقدس

The area is a **holy** site for many Muslims.
 این منطقه برای بسیاری از مسلمانان مکانی مقدس است.

7. research (n.)

تحقیق

Recent **research** shows that this disease is caused by bad nutrition.
 تحقیق اخیر نشان می‌دهد که این بیماری به دلیل تغذیه بد ایجاد شده است.

8. experiment (n.) (v.)

۱- آزمایش ۲- آزمایش کردن

Students will do simple laboratory **experiments**.
 دانش‌آموزها آزمایشات ساده آزمایشگاهی انجام خواهند داد.

9. grow up (v.)

بزرگ شدن، رشد کردن

Just before she **grows up**, her mother tells her all the facts.
 قبل از این‌که او بزرگ شود، مادرش تمام حقایق را به او می‌گوید.

10. device (n.)

وسيله

syn tools

The store sells TV, radio and other electronic **devices**.
 آن فروشگاه تلویزیون، رادیو و دیگر وسایل الکترونیکی می‌فروشد.

11. scientist (n.) / science (n.) / scientific (adj.)

دانشمند / علم / علمی

They are all **scientists** especially in biology and math.
 آن‌ها همگی دانشمندان هستند، خصوصاً در رشته‌های زیست‌شناسی و ریاضی.

12. laboratory (n.)

آزمایشگاه

Experiments conducted in a modern **laboratory** are very costly.
 آزمایش‌هایی که در یک آزمایشگاه مدرن انجام می‌شوند خیلی پرهزینه هستند.

13. build (v.)

ساختن

syn form

The purpose is to **build** new houses for local people.
 هدف، ساختن خانه‌های جدید برای مردم محلی است.

14. success (n.) / successful (adj.)

موفقیت / موفق

syn luck | fortune

Did you have any **success** in finding the dog?
 آیا در پیدا کردن سگ موفق بودید؟

15. invent (v.) / invention (n.)

۱- اختراع کردن ۲- از خود در آوردن / اختراع

syn create | develop

Thomas Edison **invented** the phonograph and many other things.
 توماس ادیسون گرامافون و خیلی از وسایل دیگر را اختراع کرد.

16. solve (v.) / solution (n.)

حل کردن / راه حل

They are working to **solve** the traffic problem.
 آن‌ها کار می‌کنند تا مشکل ترافیک را حل کنند.

17. give up (v.)

ترک کردن، رها کردن

syn quit | leave

She **gave up** her job and started writing poetry.
 او کارش را رها و شروع به نوشتن شعر کرد.

18. translation (n.) / translate (v.) / translator (n.)

ترجمه / مترجم کردن / مترجم

She is working on a **translation** of a novel.
 او روی ترجمه‌ای از یک رمان کار می‌کند.

19. medicine (n.) / medical (adj.)

۱- دارو ۲- طب ۲- پزشکی

syn drug

Their research has led to many important advances in modern **medicine**.
 این تحقیق به پیشرفت‌های مهم در داروسازی مدرن منجر شده است.

20. famous (adj.)

مشهور، معروف

syn well-known

The Mona Lisa is Da Vinci's most **famous** painting.
 مونالیزا معروف‌ترین نقاشی داونچی است.

21. poor (adj.)

۱- ضعیف ۲- فقیر

opp rich

The organization helps **poor** families in rural area.
 سازمان به خانواده‌های فقیر در نواحی روستایی کمک می‌کند.

22. special (adj.)

خاص

syn specific | certain | particular

Only under **special** circumstances will you be allowed to retake the test.
 تنها تحت شرایط خاصی به شما اجازه داده خواهد شد که تست را دوباره انجام دهید.

23. emphasis (n.) / emphasize (v.)

تأکید / تأکید کردن

You need to state your arguments with greater **emphasis**.
 تو نیاز داری که دلایلت را با تأکید بیشتری بیان کنی.



گرامر

Grammar

زمان آینده

این مثال‌های فارسی را بخوانید:
 ۱) در آینده دکتر خواهیم شد.

۲) قرار است هفته آینده باران بیارد.
 ۳) قصد داریم سال بعد به اسپانیا برویم.
 بعد از خواندن سه مثال بالا متوجه می‌شویم که زمان این جمله‌ها آینده است. در زبان انگلیسی برای بیان عملی که در زمان آینده رخ می‌دهد، می‌توانیم از «فعل ساده + will» و یا «فعل ساده + be going to» استفاده کنیم. هر کدام از این دو ساختار کاربردها، نکات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

« زمان آینده با will»

یکی از روش‌ها برای بیان زمان آینده، استفاده از will است که ساختار آن به شکل زیر است:

ادامه جمله + فعل ساده + will / 'll + فاعل

e.g. We will visit a museum next week.

هفته آینده از یک موزه دیدن خواهیم کرد.

e.g. I'll travel to Spain next year.

will را می‌توان به شکل مخفف «ll» نوشت.

سال آینده به اسپانیا سفر خواهیم کرد.

ساختار منفی

برای منفی کردن زمان آینده، not را بعد از will به کار می‌بریم.

ادامه جمله + فعل ساده + will + not / won't + فاعل

e.g. I will not win the match.

من مسابقه را نخواهم برد.

e.g. I won't read that book.

will not را می‌توانیم به شکل مخفف «won't» بنویسیم.

آن کتاب را نخواهم خواند.

ساختار سؤالی

برای سؤالی کردن، کافیست will را قبل از فاعل قرار بدهیم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + Will

e.g. Will you lend him the book?

آیا آن کتاب را به او قرض می‌دهی؟

ساختار سؤالی با کلمات پرسشی

برای سؤالی کردن با استفاده از کلمات پرسشی (How, Who, Why, Where, When, What, ...) باید کلمات پرسشی را ابتدای جمله، بعد از آن will و سپس فاعل را بیاوریم.

? ادامه جمله + فعل ساده + فاعل + will + کلمه پرسشی

e.g. When will the tourists visit Shiraz?

توریست‌ها چه زمانی شیراز را خواهند دید؟

e.g. Who will visit Shiraz next summer?

اگر کلمه پرسشی درباره فاعل سؤال کند، فاعل را حذف می‌کنیم.

چه کسی تابستان آینده از شیراز دیدن خواهد کرد؟

کاربردهای will

در موقعیت‌های زیر از زمان آینده با will استفاده می‌کنیم:

۱) تصمیم‌گیری لحظه‌ای (آنی):

e.g. I'm thirsty. I will buy a drink.

من تشنه هستم. یک نوشیدنی خواهم خرید.

(در این مثال، فرد تشنه است و همین‌ان تصمیم به خرید نوشیدنی می‌گیرد، بنابراین باید از will استفاده کنیم.)

۲) پیش‌بینی براساس نظر شخصی:

e.g. I think it will rain tomorrow.

فکر کنم فردا باران خواهد آمد.

(در این مثال، هیچ نشانه‌ای برای باریدن باران وجود ندارد و فرد براساس نظر خودش بیان می‌کند که فردا باران می‌بارد، بنابراین ساختار will به کار می‌رود.)